

بررسی تأثیر روابط رژیم صهیونیستی و ترکیه بر الگوی امنیتی غرب آسیا

فریدالدین حبیبیان

کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، زنجان، ایران

چکیده

کنت والتز در کتاب معروف خود تحت عنوان "نظریه سیاست بین‌الملل" معتقد است که ساختار نظام بین‌الملل شامل سازمان‌دهی افقی واحدها فقدان تقسیم کار و نامساوی بودن قدرت وضعیتی آنارشیک به وجود آورده که همه واحدها اولویت اصلی خود را امنیت می‌دانند و آن را از طریق خودیاری و یا اتحاد حفظ می‌کنند. هدف پژوهش حاضر بررسی روابط رژیم صهیونیستی و ترکیه و رسیدن به اینکه تا چه میزان این روابط بر الگوی امنیتی خاورمیانه تأثیرگذار خواهد بود می‌باشد. روابط ترکیه با رژیم صهیونیستی طی دوره‌های مختلف تحت تأثیر دیدگاه‌های رهبران این کشور تغییر داشته است در دهه ۱۹۹۰ با پیروزی مجدد اسلام‌گرایان سؤال اساسی این است که سیاست خارجی ترکیه به کدام سو گرایش دارد. در این بین آنچه برای ترکیه اهمیت داشته و در سال‌های دور تاکنون جزو سیاست‌های دائمی ترکیه بوده است عضویت در اتحادیه اروپا بوده و رهبران ترکیه اطمینان دارند که اروپا به این راحتی اجازه عضویت ترکیه در این اتحادیه را نمی‌دهند و علت اصلی آن اسلامی بودن ترکیه و برخی قوانین اسلامی ترکیه می‌باشد در این بین سران ترکیه باید به‌گونه‌ای زمینه اروپائی شدن این کشور را فراهم کنند لذا با یک سیاست چند منطقه‌ای سعی دارد روابط بین خود و متحد اصلی غرب در منطقه یعنی رژیم صهیونیستی را بهبود بخشد. ترکیه تنها کشوری است که روابط نزدیک با تمام طرف‌های درگیر را دارد. در واقع این نزدیکی بخصوص در زمان بحران حیاتی است که میانجی‌گری امتیازی برای ترکیه باشد. سیاست خارجی ترکیه در دوره جدید بر سه اصل استوار است. نخست، میانجی‌گری در حل و فصل مسائل منطقه‌ای. بر این اساس ترکیه در تلاش است تا چارچوب نقش خود را به‌عنوان یک کشور بی‌طرف نشان دهد. این همان مسئله‌ای است که مورد تأیید قدرت‌های بزرگ مثل آمریکا است. به عبارتی ترکیه در تلاش است تا به‌عنوان میانجی برای حل اختلافات کشورهای مسلمان با یکدیگر یا اختلافات درونی این کشورها توان استراتژیک خود را بالا ببرد و به شکل غیرمستقیم اروپا را وادار به پذیرش خود کند. دوم، اسلام‌گرایی؛ این اصل در سیاست خارجی ترکیه در بعد الگو بودن به‌عنوان یک کشور مسلمان در جهان اسلام قابل تبیین است. سوم، حضور فعال منطقه‌ای؛ آنکارا با اتخاذ "قدرت نرم" در سیاست خارجی خود سعی در حل و فصل بحران‌های پیرامونی و حضور فعال در منطقه دارد ولی امروزه مهم‌ترین معیار اکثر تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی منافع ملی کشورهایشان است سیاست‌گذاران منافع و اهداف خود را با توجه به ساختارهای حکومتی و... اولویت‌بندی می‌کنند.

کلید واژه: روابط رژیم صهیونیستی، روابط ترکیه، الگوی امنیتی غرب آسیا

۱-مقدمه

برقراری مناسبات سیاسی و نظامی و امنیتی و اقتصادی بین آنکارا و تل آویو رویداد تازه ای نیست ولی گرم شدن این روابط تازگی دارد به نحوی که توجه افکار عمومی و نگرانی محافل سیاسی کشور های منطقه و فرا منطقه ای را برانگیخته است. در حقیقت دلیل این عطف تدریجی مناسبات از حوزه سیاسی بر اقتصادی بر حوزه همکاری های نظامی و امنیتی است آن هم در دورانی که تصور می رود تداوم مناسبات منطقه ای در غرب آسیا از محور نظامی - امنیتی و جغرافیایی به سمت محور سیاسی - اقتصادی و جغرافیایی در حال تغییر باشد.

از پایان جنگ جهانی دوم بدین سو، منطقه غرب آسیا از بحرانی ترین مناطق در جهان بوده است. ریشه یابی جنگ ها، منازعات، بحران ها و تنش هایی که در این منطقه به لحاظ ژئوپلیتیکی مهم جهان بروز کرده، توجه بسیاری از متفکرین و اندیشمندان علم سیاست و نیز روابط بین الملل را به خود جلب کرده است. مروری بر جنگ های نیم قرن اخیر نشان می دهد غرب آسیا همواره مرکز حوادث و بحران ها و جنگ های خونین برای منطقه و جهان بوده است مجموعه عوامل منطقه ای و جهانی مانند ساختار نظام بین الملل، مناسبات تاریخی، جغرافیای منطقه، ماهیت و منابع قدرت، وجود منابع سرشار انرژی، کنش و واکنش رهبران منطقه ای و جهانی ناشی از درک آنها سبب ساختار متزلزل و بحرانی غرب آسیا شده است تحولات عمیق و پرشتاب منطقه غرب آسیا، زمینه مناسبی را برای نقش آفرینی بازیگران مختلف منطقه ای و بین المللی فراهم ساخته است ولی نقش برخی کشورها و رژیم ها در ایجاد و کنترل و ادامه و گسترش بحران های این منطقه نسبت به سایرین بیشتر بوده است اتخاذ رویکردهای متناقض از سوی رهبران برخی کشورها در قبال تحولات غرب آسیا موجب بروز چالش و یا حل مناقشه در این منطقه شده است بدون شک تحولات داخلی هر کشوری بر نحوه روابط خارجی و جهت گیری سیاست خارجی آن کشور تأثیر بسزایی دارد. همچنین تحولات داخلی هر کشوری برای همسایگان آن کشور نیز از اهمیت بالایی برخوردار است.

در این میان ترکیه به عنوان یک کشور اسلامی مابین اورا آسیا طی دهه های مختلف نسبت به غرب آسیا دارای سیاست های متناقض بوده است که این سیاست ها در مورد اسرائیل و مناقشه غرب آسیا طی دهه های مختلف در موارد مختلف تغییر کرده است که این امر برای همسایگان این کشور به خصوص ایران و در کنار آن اعراب و حتی روسیه مهم بوده است.

در نشست سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۷ برای تأسیس دولت اسرائیل، ترکیه در ردیف کشورهای مخالف به چشم می خورد. دو دلیل مخالفت آنکارا با اعلام موجودیت اسرائیل، تبعیت از سیاست واحد جهان اسلام و دیگری، هراس از نضج حرکت های سوسیالیستی در غرب آسیا در صورت همراهی دولت جدید تل آویو با اتحاد جماهیر شوروی بود. چه اینکه از نظر دولتمردان ترک، صهیونیسم و کمونیسم دو روی یک سکه تلقی می شدند و هر نوع همگرایی ایدئولوژیک میان آن دو غرب آسیا را وارد فاز جدیدی می کرد. اما دو سال بعد، ۱۹۴۹ ترکیه به تبعیت از کشورهای غربی پرداخت و نخستین کشور جهان اسلام بود که رژیم اسرائیل را به رسمیت شناخت. سقوط دولت وقت بغداد و گسترش نفوذ اتحاد جماهیر شوروی بر منطقه، چگونگی روابط ترکیه - اسرائیل را که عمدتاً وجه ضد عربی داشت، تعیین کرد. نخستین رشته های پیوند ترکیه و اسرائیل در ۱۹۵۲ برقرار شد؛ هنگامی که قرارداد تبادل اطلاعات میان دو دولت به امضا رسید رشد سالانه حجم دادوستدهای تجاری و همکاری های نظامی، روابط آنکارا - تل آویو را هر چند پنهان توسعه داد، این نوع روابط بیشتر به درخواست ترکیه بود، چراکه از ایجاد گرایش های ضد ترکی در جهان عرب هراس داشت. فصل سرد روابط ترکیه - اسرائیل از جنگ شش روزه سال ۱۹۶۷ آغاز شد و تا اوایل دهه ۱۹۸۰ و روی کار آمدن دولت «تورگوت اوزال» در آنکارا به طول انجامید. تمایلات دولت ترکیه به کشورهای عربی جهت تقویت نقش آنکارا در غرب آسیا را می توان عمده ترین دلیل تیرگی روابط دو دولت دانست. ترک ها به طرز آشکاری از فلسطینیان حمایت می کردند تا متقابلاً همراهی عرب ها را در قضیه قبرس کسب کنند. انگیزه ترکیه از بهبود روابط تل آویو - آنکارا در زمان دولت اوزال، تلاش جهت کسب منافع تجاری و استفاده از ارتباطات ویژه محافل اسرائیلی در آمریکا برای پیشبرد مقاصد ترکیه بود. در ۱۹۹۱ روابط دو دولت وارد مرحله نوینی شد که در ابتدای امر تبادل سفیران صورت گرفت و در نهایت، در ۱۹۹۳ به امضای موافقت نامه همکاری های اقلیتی میان

ترکیه و اسرائیل انجامید. سپس تل آویو میزبان نشست مخفیانه رئیس ستاد مشترک ارتش ترکیه و سرپرست وزارت جنگ اسرائیل شد که نتیجه آن، امضای نخستین موافقت نامه همکاری‌های نظامی دو جانبه بود. اسرائیل نیز متعهد شد در فرآیند بازسازی تشکیلات نظامی ترکیه در مرزهای مشترک این کشور، با ایران، عراق و سوریه به آنکارا یاری رساند و نقش پیشگیرانه‌ای علیه شبه نظامیان کرد ایفا کند. در ادامه به علت حمله به کشتی امید روابط بین دو کشور به تیرگی گرائید.

ترکیه تنها کشوری است که روابط نزدیک با تمام طرف‌های درگیر را دارد. در واقع این نزدیکی بخصوص در زمان بحران حیاتی است. بنابراین احمد داود اوغلو مشاور ارشد سیاست خارجی اردوغان که گفته می‌شود مسئولیت دیدار غیرمنتظره با خالد مشعل رهبر در تبعید حماس در فوریه ۲۰۰۶ داشته است مجدداً برای یافتن راه‌های پایان دادن جنگ به منطقه عازم شد. به نظر می‌رسد پس از اینکه اسرائیل به طور یک جانبه اعلام کرد که عملیات نظامی را (۱۷ ژانویه ۲۰۰۹) به اتمام رسانده دعوت داود اوغلو نقشی مهم را در راضی کردن حماس برای پایان دادن به حملات راکتی به مقر صهیونیست‌ها در شمال و شرق غزه داشته است.

سیاست خارجی ترکیه در دوره جدید به سه اصل استوار است. نخست، حضور فعال منطقه‌ای؛ آنکارا با اتخاذ "قدرت نرم" در سیاست خارجی خود سعی در حل و فصل بحران‌های پیرامونی و حضور فعال در منطقه دارد. در همین چارچوب ترکیه سعی کرده تا با عملیاتی کردن سیاست "صفر کردن مشکلات با همسایگان" اختلافات فرهنگی خود را با بعضی از گروه‌های قومی در منطقه از جمله با کردها و نیز با ارمنستان حل و فصل کند. دوم، اسلام‌گرایی؛ این اصل در سیاست خارجی ترکیه در دو بعد الگو بودن به عنوان یک کشور دموکرات که ترکیه همواره مدعی بوده یک نمونه موفق در جهان اسلام است و الگو بودن به عنوان یک کشور مسلمان در جهان اسلام قابل تبیین است. سوم، میانجی‌گری در حل و فصل مسائل منطقه‌ای. بر این اساس ترکیه در تلاش است تا چارچوب نقش خود را به عنوان یک کشور بی‌طرف نشان دهد. این همان مسئله‌ای است که مورد تأیید قدرت‌های بزرگ مثل آمریکا است. یک مثال عمده، در این زمینه تلاش ترکیه برای نزدیکی ایران و آمریکا و حل بحران هسته‌ای ایران بود. و میانجی‌گری بین سوریه و فلسطینیان و اسرائیل به عنوان طرف‌های اصلی مناقشه غرب آسیا می‌باشد. بهبود روابط ترکیه و اسرائیل پس از مقطع بحرانی بین سال‌های (۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲) را می‌توان به دلیل ایجاد شرایط جدید سیاسی- نظامی در غرب آسیا و شکل‌گیری روابط نوین ترکیه- اسرائیل قلمداد کرد. بدین ترتیب انتظار می‌رود آنکارا در آینده‌ای نزدیک نقش خود را در غرب آسیا پر رنگ تر کند و به ویژه در تلاش است با تقویت همزمان روابط با اسرائیل و جهان عرب، در مناقشه غرب آسیا نقش میانجی را ایفا نماید. ولی سؤال اساسی این است که آیا تیرگی روابط به معنای قطع ارتباط ترکیه با اسرائیل و گرایش به سمت کشورهای اسلامی می‌باشد همان طور که در ترکیه سال ۲۰۰۷ را به نام غرب آسیا نامگذاری کردند و ترکیه با این سیاست در پی احیای نوع‌ثمنی‌گری می‌باشد یا اینکه ترکیه با این کار در فکر تنبیه اروپا و غرب از طریق متحد اصلی آن اسرائیل است و بلافاصله بعد از عضویت در اتحادیه اروپا روابط قبلی را با اسرائیل پی خواهد گرفت و در این بین به آرزوی دیرین خود می‌رسد از طرف دیگر با روابط توأم که با هر دو طرف مناقشه غرب آسیا دارد به عنوان میانجی در این مناقشه عمل می‌کند.

از طرف دیگر اسرائیل به عنوان متغیر دیگر در منازعه غرب آسیا می‌باشد. ماهیت دولت اسرائیل (صهیونیسم محوری، کارکرد محوری، قوم محوری) عامل اصلی در شکل‌گیری سیاست خارجی آن به شمار می‌رود. عامل داخلی شامل خصوصیات جغرافیایی، گروه‌های داخلی، ویژگی‌های ملی و اجتماعی (فرهنگ) و افکار عمومی داخلی می‌باشد و عوامل خارجی شامل ساختار نظام بین‌الملل، ماهیت اقتصاد جهانی، اتحادهای منطقه‌ای و نهادهای بین‌المللی و حقوق بین‌المللی است که در زمره عوامل فرعی قرار می‌گیرند. آنچه در شکل‌گیری سیاست خارجی اسرائیل بیش از دیگر عوامل موثر بوده است، مسئله ذات و ماهیت دولت اسرائیل است.

۲- ادبیات پژوهش

محور مقاومت:

اصطلاحی سیاسی است که نخستین بار توسط روزنامه لیبیایی (به عربی: الزحف الأخضر) در مقابل اصطلاح محور شرارت که توسط جورج دبلیو بوش در سال ۲۰۰۲ مطرح شد، عنوان شد و در آن عنوان شده بود که کشورهایی که رئیس‌جمهور آمریکا از آنها با عنوان «محور شرارت» نام می‌برد، در اصل کشورهای «محور مقاومت» در مقابل ایالات متحده آمریکا و تلاش آن برای سلطه‌گری بر سایر کشورها محسوب می‌شود.

امپراتوری عثمانی:

با نام رسمی دَوْلَتِ عَلِيّهٔ عُثمَانِيّه یک قدرت سیاسی و امپراتوری مسلمان بود که از ۱۲۹۹ تا ۱۹۲۲ میلادی (حدود ۶ قرن یا ششصد سال) در منطقه مدیترانه حکومت می‌کرد. این امپراتوری در اوج قدرت خود (قرن ۱۶ میلادی) مناطق آسیای کوچک، اکثر غرب آسیا، قسمت‌هایی از شمال آفریقا، قسمت جنوب‌شرقی اروپا تا قفقاز را شامل می‌شد. قلمرو رسمی حکومت عثمانی، در اوج قدرت، نزدیک به ۵۰۶ میلیون کیلومتر مربع می‌رسید. عثمانیان شاخه‌ای از ترکمن‌ها (طایفه قایی) بودند که در اواخر امپراتوری سلجوقیان از ترکستان به آسیای صغیر (آسیای کوچک) کوچ کردند.

محیط امنیتی:

محدوده‌ای که در آن ارزش‌ها و منافع حیاتی بازیگر تعریف شده و بازیگران سعی دارند آسیب‌پذیری و تعهدات آن را به حداقل برسانند.

غرب آسیا:

کشورهایی که از مناطق شمال آفریقا و کرانه مدیترانه تا خلیج فارس را در بر می‌گیرد. این کشورها شامل ترکیه، مصر، عراق، اسرائیل، فلسطین، اردن، لبنان، عربستان، سوریه، یمن، بحرین، کویت، عمان، قطر، امارات متحده عربی و ایران می‌باشد. پایان منازعه شرق و غرب و آغاز مرحله گذر فعالیت آنکارا در صحنه بین‌المللی دوران پس از جنگ سرد، با گسترش روابط نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک با اسرائیل، شکل آشکارتری به خود گرفته است. درست بر خلاف آنچه در جهان عرب فهمیده می‌شود، تمایل به اتحاد نظامی دو کشور در سال ۱۹۹۶ نه از طرف اسرائیل بلکه از طرف ترکیه و آن هم از طرف نیروهای مسلح این کشور مطرح می‌شود. در حالی که در اواخر دهه ۱۹۵۰ اسرائیل، ترکیه را شریکمناسی برای استراتژی «دکترین امنیت حاشیه‌ای» می‌دانست. در اوایل دهه ۱۹۹۰، این زنه‌های قدزتمند آنکارا بودند که ابتکار عمل را در دست گرفتند. در واقع بازی کهن جالب، این بار در جهت عکس بود. عوامل عمده‌ای که باعث استقبال ترکیه از اتحاد برجسته و وسیع با اسرائیل شدند، رابطه نزدیکی با پایان جنگ سرد و جهت‌گیری جدید در سیاست خارجی شرکای غربی این کشور داشتند. تحولات سیاسی دهه ۹۰ قدرت‌چانه زنی ترکیه را در برابر اتحادیه اروپا و آمریکا کاهش داد. علاوه بر این، واقعیت‌های سیاست دوران جنگ سرد باعث شده بود تا ترکیه در رویکرد خود به غرب آسیا اهمیت چندانی برای این منطقه قابل نباشد. اما نکته مهم اینجاست که به رغم فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تهدید آن، اهمیتی که ترکیه برای ناتو قایل بودند به مراتب بیشتر شد: «پایان جنگ سرد مهم‌ترین حلقه اتصال کارکردی و نهادی ترکیه با اروپا و آمریکا را مورد تهدید قرار داده بود.» می‌توان گفت که پایان جنگ سرد و بحران خلیج فارس استراتژی کلان ترکیه را با بن بست مواجه کرد. استراتژی کلان ترکیه بعد از جنگ جهانی دوم تا حد بسیار زیادی مبتنی بر ناتو بود که امنیت لازم برای دفاع از حاکمیت و تمامیت ارضی این کشور را تامین می‌کرد. گذشته از این، تقریباً در تمام دوران جنگ سرد، اتحادیه ترکیه با بلوک غرب تضمینی برای جلب حمایت سیاسی و اقتصادی بلوک غرب بود که برای تبدیل شدن این کشور به یک دولت صنعتی و مدرن در حد دولتهای غربی اهمیتی حیاتی داشت. پایان منازعه شرق-غرب و از بین رفتن اتحاد شوروی، پرسشهای اساسی در باب نقش ترکیه در ناتو و رابطه اش با غرب مطرح ساخت. علاوه بر این جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس نگرانی دیرپای ترکیه را همراه داشت؛ زیرا شرکای غربی این کشور نشان دادند که متحدان قابل اعتمادی برای ترکیه نیستند. به گفته دیپلمات کار کشته

ترک، سوکر و الکداغ: با فروپاشی شوروی، با توجه به از میان رفتن خطر کمونیسم، ترکیه اهمیت خود را نزد ناتو از دست داده است. ترکیه در سال ۱۹۵۲ به عضویت ناتو در آمده بود و در لبه شرقی این اتحادیه قرار داشت، در زیر چتر دسته جمعی این اتحادیه قرار گرفت. در این میان سیاستمداران ترک گناه غیر متعهدانه ای را نسبت به منطقه غرب آسیا داشتند. اما از دهه ۷۰ به بعد محیط پیرامونی ترکیه شروع به تغییراتی کرد. بدین معنا که کشورهای جنوبی و جنوب شرقی هم مرز ترکیه شروع به دستیابی به سلاح های کشتار جمعی و موشک های بالستیک کردند، اما هیچگونه تغییر نگرشی در سیاست خارجی این کشور مشاهده نشد و شوروی هنوز در رای لیست تهدیدات ترکیه قرار داشت و ناتو نیز خود را ملزم به حمایت و پاسداری از ترکیه در باب حملات بلوک شرقی می دید. در واقع اگر چه ترکیه نگران مرزهای جنوبی خود بود، ولی یک اصل سیاسی می گوید: «تهدید بزرگتر، تهدید کوچکتر را در خود هضم می کند.» بعد از سال ۱۹۹۱، ژئوپولیتیک ترکیه متحول شد. ناتو که در اساسنامه ۱۴ ماده ای اش، خود را ملزم به رویارویی با بلوک شرق یا ورشو می دید فلسفه وجودی خویش را به بالکان و نگاه به شرق اروپا معطوف کرد و دشمن جدید خود را ناسیونالیسم افراطی، اسلام رادیکال و تروریسم معرفی نمود. اما در دنیای واقعی، ناتو خود را ملزم به مداخله در نواحی خارج از طرح های مشخص شده قبلی به جزء یک استثناء و آن هم منطقه ثروتمند خلیج فارس نمی دید. (عسگرخانی، ۱۳۸۳: ۱۴۲-۱۴۰)

نقش جامعه یهودیان ترکیه در روابط میان ترکیه و رژیم صهیونیستی

ترکیه در برگیرنده بسیاری از یهودیان بوده است و به آن‌ها اجازه زندگی مسالمت‌آمیز را داده است، لذا هیچ‌گونه خشم و انزجار ترکیه از یهود تا کنون احساس نشده است. انفجارهای انجام شده در چندسال اخیر در کنیسه‌های استانبول را شاید بتوان به استثنای نقشی که یهودیان در عزل سلطان عبدالحمید عثمانی ایفا نمودند، مهم‌ترین حادثه معاصر برای یهودیان ترکیه توصیف نمود. چرا که این تنها واقعه در جامعه یهودیان ترکیه بود که توجه افکار عمومی و ناظران حوادث غرب آسیا را به این جامعه کوچک اقلیت جلب نمود. رژیم صهیونیستی در نخستین واکنش به حادثه، سیلوان شالوم، وزیر خارجه وقت این رژیم را برای بررسی ابعاد مختلف حادثه و خسارات وارده به دو کنیسه و همچنین دیدار با عبدالله گل، همتای ترک خود به ترکیه اعزام نمود. آریل شارون، نخست وزیر اسرائیل نیز جلسات هفتگی کابینه را با تسلیت به بازماندگان کشته‌شدگان این حادثه آغاز کرد و در سخنانی خاطر نشان ساخت: بار دیگر تروریسم، پیکره واحد ملت یهود را هدف قرار داد لذا بر هر یهودی واجب است طبق تعالیم تورات به کمک برادران یهودی خود بشتابد. سایت ترکیه ای Ujafendy به نقل از رویتر از یک دیپلمات اسرائیلی که نام وی را آشکار نساخته است، آورده است که ترکیه مورد حمله تروریست‌های مسلمان که با اسرائیل خصومت دارند، واقع شده است. در تفاسیر دیگری که از این حادثه و پیامدهای آن ارائه شده ترکیه تنها کشور مسلمان دمکراتیک معرفی شده است که دارای روابط حسنه و نزدیک با اسرائیل می‌باشد و به همین دلیل به آتش خشم تروریسم نسبت به یهودیان گرفتار شده است. همچنین در تفسیری که در سایت خبری جویش جوانان در خصوص حادثه انفجار کنیسه استانبول منتشر شده بود، نویسنده مدعی است که حمله به ترکیه و بمب‌گذاری در دو کنیسه معروف شهر استانبول تنها به دلیل اعمال فشار بر ترکیه در جهت تجدیدنظر در مناسباتش با اسرائیل و آمریکا صورت پذیرفته است. در این میان سامی کوهن، تحلیلگر سیاسی روزنامه ترک زبان ملیت، با اشاره به روابط پیشین ترکیه و اسرائیل، در تحلیل سیاسی خود از واقعه می‌نویسد: «حملاتی از این دست به پیکره جامعه یهودیان ترکیه، تنها منجر به نزدیک‌تر شدن و همکاری بیشتر ترکیه، ایالات متحده و اسرائیل در جنگ علیه تروریسم خواهد شد.» در جمیع این تفاسیر نویسندگان به گونه‌ای محسوس تلاش نموده‌اند با پیوند زدن جامعه یهودیان ترکیه به جامعه یهودیان سراسر دنیا و به ویژه اسرائیل که خود را متولی امنیت و آسایش تمام یهودیان جهان می‌انگارد، مسائل امنیتی ترکیه و اسرائیل را به یکدیگر پیوند زنند.

۳- روش پژوهش

در این پژوهش از روش توصیفی - تاریخی - تحلیلی استفاده شده است و روش گردآوری اطلاعات و داده ها به صورت کتابخانه ای و اینترنتی است.

غرب آسیا منطقه‌ای میان دریای مدیترانه و خلیج فارس می باشد، در بخشی از آفریقا- اورآسیا. منطقه غرب آسیا ناحیه ایست که دارای گروه های فرهنگی و نژادی گوناگون است و از زبان های اصلی متعددی در آن تکلم می شود. این منطقه از میانه قرن بیستم، مرکز توجه جهانی و شاید حساس ترین منطقه جهان از نظر استراتژیکی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بوده است. اهم مطالب و قلمرو این پژوهش متعلق به دو بازیگر مهم این منطقه یعنی ترکیه و اسرائیل است. از نظر زمانی، می توان گفت از آنجائی که جایگاه نوین ترکیه در این پژوهش مورد توجه است و تأثیر آن بر روابط ترکیه با اسرائیل مورد بررسی قرار می گیرد، در نتیجه محدوده زمانی ظهور ترکیه نوین (تقریباً از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۲) و شکل گرفتن آن به عنوان بازیگری تأثیرگذار مورد توجه است.

۴- فرضیه پژوهش

به نظر می رسد با توجه به محیط امنیتی غرب آسیا، ترکیه قصد دارد با گرایش به کشورهای اسلامی منطقه حتی با در نظر گرفتن تمایلات سیاسی و امنیتی مختلف (عربستان، محور مقاومت و ...)، توأم با ارتباط غرب و اسرائیل ضمن احیای قدرت قدیمی خود (امپراتوری عثمانی)، با گسترش قدرت نوین خود در حل مسائل غرب آسیا به عنوان دولتی که با هر دو طرف در ارتباط است، براساس میانجی گری جهت سازش بین دو گروه اقدام نماید تا ضمن افزایش قدرت منطقه‌ای و حل مناقشه هایی که طرفین درگیر آن هستند، هم زمینه عضویت در اتحادیه اروپا و هم افزایش قدرت جهانی و منطقه‌ای خود را فراهم نموده و نقش رهبری در غرب آسیا را در اختیار گیرد.

۵- یافته های پژوهش

نبود درک متقابل و نیز عدم حمایت جهان اعراب از مسائل امنیتی ترکیه در مدیترانه شرقی وجود دارد. کارگزاران سیاست خارجی ترکیه به این نتیجه رسیدند که تا وقتی که پای ملت عرب و منافع آن در میان است، اخوت اسلامی با جهان عرب نمی تواند معیار مناسبی برای سنجش تحولات مرتبط با امنیت ملی ترکیه باشد. علاوه بر این، عامل اقتصادی که در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ به عنوان کاتالیزوری در بهبود مجدد روابط ترکیه با همسایگانش عمل کرده بود، در اواسط دهه ۱۹۹۰ اهمیت چندانی ندارد. با توجه به تحلیل گذشته می توان گفت روابط جدید استراتژیک میان ترکیه و اسرائیل یک اقدام پیراگماتیک توسط سیاست گذاران این کشور است. گرچه به واسطه این کار، ترکیه درگیر خارجی سنتی این کشور است که غرب آسیا در ادامه جهت گیری غربی مور توجه قرار می دهد. اما ترس ترکیه از تهدید همسایگانش که می توانست آن ها را کنترل کند، منجر به نزدیکی این کشور به اسرائیل نشد بلکه عامل اصلی این نزدیکی افزایش نارضایتی میان ترکیه و متحدان غربی است بود. چهار عامل را می توان شناسایی کرد که در تشدید همکاری اسرائیل و ترکیه موثر بود. (گزارش راهبری، ۱۳۸۰، جایگاه ترکیه در معادلات غرب آسیا)

۱- در زمانی که متحدان غربی ترکیه نسبت به انتقال فناوری نظامی به این کشور بی تفاوت بودند، اسرائیل نقش یک منبع جدید و قابل اطمینان فناوری و سخت افزار را برای ترکیه ایفا کرد. محور جدید به رژیمو کمالیست این امکان را می دهد تا برنامه بلند پروازانه تسلیحاتی خود را دنبال کرده و فارغ از محدودیت های غربی ها صنایع دفاعی ملی خود را تقویت کند.

۲- ترکیه انتظار داشت حکومت اسرائیل و لابی های یهودی آمریکایی در مورد رفتار این کشور در واشنگتن چانه زنی کنند. از این نظر، اتحاد جدید تلاشی بود در راستای خنثی کردن نیرویهای ضد ترکیه در داخل ایالات متحده.

۳- گرچه حوزه همکاری اقتصادی ترکیه و اسرائیل چندان وسیع نیست ولی در عین حال باعث شد تا زبان های ناشی از تجارت با کشورهای خارومیانه و شمال آفریقا پس از جنگ خلیج فارس در ۱۹۹۱ در اقتصاد ترکیه جبران شود.

۴- همکاری بیشتر در حوزه های غیر نظامی در راستای منافع نخبگان کمالیست ترکیه بود؛ زیرا به نوعی تداوم جهت گیری این کشور به سوی غرب و تعهد به سکولاریسم محبوب می شد. هر چند اتحاد با اسرائیل پیراگماتیک به نظر بردس، به همان اندازه نیز

می‌توان گفت که در صحنه داخلی این اقدام تابعی از افزایش حس محاصره شدن در میان کمالیست‌ها بود. با توجه به همین نکته می‌توان دریافت چرا آنکارا در مورد اسرائیل از رفتار عمومی خود تخطی کرده و محو جدید را کاملاً علنی کرده است. در حالی که هنوز جلب حمایت کنگره آمریکا که به واسطه دوستی ترکیه با اسرائیل قطعی نیست، ولی واضح است که اتحاد ترکیه بیشتر غرب را هدف گرفته تا غرب آسیا را. مخصوصاً همکاری دو کشور می‌تواند بالقوه اهمیت آنها را در چشم آمریکا افزایش دهد وقوع این امر بسیار محتمل است. زیرا به خاطر اهمیت استراتژیکی دو کشور مخصوصاً ترکیه و نیز شباهت‌های ایدئولوژی آنها با آمریکا، نقش آنها در نظام امنیت منطقه‌ای مورد نظر آمریکا قابل حمایت و گسترش است.

اگر بتوان جنبه کاملاً غرب آسیا ای برای این اتحاد قائل شد، همانا منافع ترکیه در اعمال فشار بر دولت‌هایی بود که در سطح منطقه متهم به حمایت از گروه‌های اسلام‌گرا و PKK بودند. از این نظر، همکاری بین دو قدرت نظامی منطقه می‌تواند موجب ترس کشورهای دیگر شود. صرف این واقعیت که بخش اعظم این همکاری نظامی است و نیز، موضع‌گیری ترکیه نسبت به مسائل منطقه، باعث شک و تردید همسایگان این کشور شده است. احیای میراث عثمانی دوران سرکوب‌های سیاسی شدید بود. گر چه اتحاد با ترکیه پراگماتیک به نظر می‌رسد، اما این تنها پاسخ ممکن سیاستگذاران سیاست خارجی ترکیه به آشفتگی‌های سیای دهه ۱۹۹۰ نبود. با توجه به نارضایتی عمیقی اعراب، تعجب اور است که معماران این اتحاد متاثر شدن سیاست منطقه‌ای ترکیه از تبعات غیر قابل پیش بینی روند صلح را پذیرفته اند، در حالی که آنکارا هر نوع دخالت اروپا را در مسائل ترکیه به شدت رد می‌کند. این پراگماتیسم علاوه بر اینکه پاسخی به سیندروم (نشانگان) سورس بود، تلاشی بود برای جلوگیری از ایجاد هر گونه انحراف در دگم‌های تقریباً ثابت سیاست در ترکیه. نه تنها تاکید مداوم بر نگرش محدود به امنیت ملی آن هم از بعد نظامی، بیار جای سوال دارد، بلکه پنهان بردن به کشوری که خود دارای سابقه خوشایند در حقوق بشر نیست، آن هم به خاطر درخواست غرب برای بهبود وضعیت حقوق بشر و نیز حل مسئله کردها در ترکیه امری همچنان سوال برانگیز است. این «فرار پراگماتیک» ترکیه را باید در چارچوب کلان ساختار شناختی مرتبط با حس ناخوشایند محاصره شدن این کشور درک کرد. پرهیز از حل مشکلاتی نظیر مسئله کردها، اسلام سیاسی و کشمکش آب در چارچوب جدید سیاسی نشان می‌دهد که حکومت کمالیست یا نمی‌خواهد و یا نمی‌تواند سیاست‌های منطقه‌ای مرتبط با ظهور ساختارهای ژئوپولیتیک غرب آسیا بزرگ را پیگیری کند.

در سال ۱۹۵۱ سفارتخانه‌های دو طرف دایر شدند. قراردادهای مختلف نظامی، سیاسی، فرهنگی، آموزشی بین دو طرف منعقد شد اما همواره روابط دو کشور تحت تأثیر دو موضوع اساسی بوده است که اکنون هم به نوعی متاثر از آنهاست.

۱- مسئله فلسطین و جنگ‌های اعراب و اسرائیل

۲- روابط ترکیه با غرب. روابط ترکیه با اسرائیل همیشه تحت تأثیر و فشارهای غرب بوده است.

در دهه‌های ۵۰ الی ۹۰ همواره روابط دو کشور علیرغم داشتن قراردادهای مختلف در حال فراز و نشیب بوده و یک ائتلاف ناپایدار و توازن شکننده در بین دو کشور حاکم بوده است. اوج افزایش روابط دو کشور ترکیه و اسرائیل در دهه ۹۰ م بوده است که همکاری‌های دو طرف استراتژیک به خودش گرفت.

اهداف رژیم صهیونیستی از گسترش روابط ترکیه :

۱- اسرائیل در ابتدا موجودیت خود با اتخاذ سیاست «گریز از مرکز و استراتژی حاشیه‌ای» جهت مشروعیت بخشی به هویت خودش؛ تلاش کرد روابط خود را با اطراف دور و در فراسوی «حلق محاصره اعراب» و کشورهای غیر عرب گسترش دهد. لایه‌های اول و دوم مرزهای اسرائیل اعراب هستند که دشمن اسرائیل تلقی می‌دشند و در لایه سوم کشورهایی مثل ایران و ترکیه بودند که می‌توانستند به لحاظ گرایش غربی آن موقع (دهه ۵۰ میلادی) در خروج از انزوای رژیم صهیونیستی نقش موثری ایفا نمایند. ترکیه به عنوان کشوری تأثیرگذار و با نفوذ در غرب آسیا و جهان اسلام توانسته است از خود الگویی متفاوت نسبت به دیگر کشورهای اسلامی به غرب نشان دهد لذا گزینه مطلوبی برای اسرائیل در این مقطع زمانی بوده و است. ۲- اسرائیل به ترکیه به‌عنوان یک

دوست و متحد منطقه‌ای می‌نگرد. ترکیه تنها کشور غیر عرب در محیط پیرامونی است که در طول ۶ دهه گذشته - حیات سیاسی یهود - هیچ محاصره‌ای با اسرائیل نداشته است. ۳- دسترسی به انرژی از طریق غرب آسیا. ۴- نزدیکی به ایران بزرگترین دشمن رژیم صهیونیستی. ۵- دسترسی به بازار نظامی ترکیه و فروش تسلیحات نظامی به ترکیه. ۶- شکستن انزوای منطقه‌ای و استفاده از ترکیه برای میانجی‌گیری جهت صلح با سوریه.

اهداف ترکیه از گسترش روابط با رژیم صهیونیستی

۱- ترکیه به اسرائیل به‌عنوان درجه‌ای به سوی جهان غرب و آمریکا می‌نگرد و از طریق گسترش روابط با اسرائیل به دنبال دسترسی به سلاح‌ها و تسلیحات غربی است. از رئوس سیاست خارجی ترکیه است که بیان می‌دارد (آینده ما در پیوستن به غرب است نه آسیا)

۲- استفاده از لابی یهودی برای نفوذ در سیستم‌های تصمیم‌گیری غرب و اتحادیه اروپا برای تسهیل عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا. مصداق بارز این نکته مصاحبه تورگوت اوزال نخست‌وزیر وقت ترکیه با روزنامه گونش (آفتاب) بود که اعلام کرد «اگر اعراب خواهان آگاهی از دلایل نزدیکی ما به اسرائیل اند باید بدانند که ما همیشه براساس مسئله سود و زیان عمل خواهیم کرد. ما از نقش لابی‌های اسرائیل در آمریکا آگاهیم». (روشندل، ۱۳۷۷: ۱۲۲-۱۱۹)

با گذشت زمان و با فروپاشی شوروری سابق در دهه ۹۰ میلادی، علی‌رغم اینکه ترکیه هر چه بیشتر خودش را به غرب و اسرائیل نزدیک و قراردادهای مختلف نظامی، آموزشی و ... با رژیم صهیونیستی منعقد کرده است کمتر به اهداف خود نائل گشته و برای همین از ابتدای قرن میلادی جدید رویکرد جدیدی در سیاست خارجی ترکیه به وجود آمد آرام آرام ائتلاف استراتژیک دو طرف را دچار شکنندگی کرد و جهت‌گیری ضد صهیونیستی در برنامه‌های مقامات ترک اتخاذ شد به طوری که وقوع تحولاتی در صحنه منطقه؛ نزاع دو جانبه را همواره در طول سال‌های گذشته در حال تکوین و تشدید کرده است. از جمله آن تحولات ترور شیخ احمد یاسین و رنتیسی، جنگ‌های ۳۳ روزه، ۲۲ روزه و جنایات وحشیانه رژیم صهیونیستی، پخش سریال‌های ضد صهیونیستی در ترکیه، حمله کماندوهای اسرائیلی به کاروان آزادی و کشتی مرمهره که متعلق به دولت ترکیه بود و کشته شدن ۹ نفر از اتباع این کشور بوده است.

جنایات رژیم صهیونیستی باعث واکنش‌های زیاد بین‌المللی شد به طوری که واکنش مردم و دولت ترکیه در رأس این واکنش‌ها بود. واکنش‌های تند ترکیه نسبت به اقدامات اسرائیل علیرغم اینکه زمانی شریک استراتژیک با هم بودند این سوال را در ذهن افکار عمومی ایجاد کرد که دلیل رفتار تند ترکیه چیست و مقامات حزب عدالت و توسعه چه اهدافی را از این مسئله دنبال می‌کنند که ذیل به برخی از اهداف دولتمردان آنکارا اشاره می‌شود:

یکی از مسائلی که قبل از ورود به بحث اصلی باید به آن پرداخت و نباید از آن غافل بود بیداری اسلامی در کشورهای مسلمان است که پیروزی انقلاب اسلامی و ارائه الگوی استقلال‌خواهی بدون هرگونه وابستگی به شرق و غرب در طول سال‌های گذشته، حرکتی جدید را مقابل دیدگان جامعه بشری بالاخص ملت‌های مسلمان قرار داد که حاصل آن بیداری اسلامی و مبارزه با هرگونه ظلم و ستم قدرت‌های استکباری است و اعتراضات جدی مردم ترکیه در مخالفت با رژیم صهیونیستی در این راستا ارزیابی می‌شود که دولت را به این سمت و سو هدایت کرده‌اند. اما آیا دولت ترکیه هم با همین رویکرد دینی به موضوع می‌نگرد بحثی که است که نیاز به بررسی دارد. اهداف کلی ترکیه از تحولات جدیدش در قبال رژیم صهیونیستی در سه بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف) اهداف کلان و بلند مدت

۱- ترکیه به دنبال فائق آمدن بر مشکلات اقتصادی خود در طول سال‌های گذشته؛ به فکر سیادت در منطقه غرب آسیا است. از دید دولتمردان اسلام‌گرای ترکیه یکی از عواملی که می‌تواند برای پیشتازی و رهبری جهان اسلام موثر باشد؛ مبارزه با جنایات

اسرائیل و حمایت از مسئله فلسطین است. چرا که هم مردم ترکیه این آمادگی را داشتند و هم مردم منطقه. مطالعات نشان می‌دهد که با گذشت ۶۰ سال از اشغال خاک فلسطین تاکنون اتفاق نیفتاده که مسدله فلسطین همانند آن چه که طی سه هفته گذشته بعد از حمله اسرائیل به کاروان آزادی روی داده در رأس اولویت‌های افکار عمومی جهان و سازمان‌های آن باشد و در راس این توجه افکار عمومی؛ نقش ترکیه از همه کشورهای پرنرنگ تر و نام رجب طیب اردوغان از همه پر آوازه تر بود به طوری که طبق آخرین نظرسنجی‌ها نخست وزیر ترکیه در مساله اسرائیل ستیزی و مبارزه با صهیونیست‌ها از سردمداران این جریان یعنی دکتر محمود احمدی نژاد و سید حسن نصرالله پیشی گرفته است و بیش از ۷۳٪ مردم اسرائیل ترکیه را دشمن خود قلمداد می‌کنند. بنابراین توجه به مسئله فلسطین از نظر دولت حرکتی تاکتیکی است برای تحقق استراتژی جدید مقامات ترکیه سیادت بر منطقه غرب آسیا.

گام دوم حرکت ترکیه به سمت سیادت بر منطقه غرب آسیا نقش و تلاش‌های امروز ترکیه در نقش میانجی گرانه در منطقه است. میانجی‌گری بین سوریه و اسرائیل، میانجی‌گری در پرونده هسته‌ای، تحولات قفقاز، عراق و ... همگی در راستای نائل شدن به این هدف صورت می‌گیرد. دولت‌مردان ترکیه با زمان شناسی دقیق و با زیرکی و هوشمندی از فضای تحولات داخلی ایران در یک سال گذشته و کاهش تحرکات دیپلماتیک ایران در منطقه بهترین بهره برداری را کردند و با موضع گیری‌های تند علیه جنایت رژیم صهیونیستی در راه رسیدن به اهداف خود قدم برداشتند.

۲- برخی اعتقاد دارند مسئولان ترکیه به دنبال احیای امپراتوری نو عثمانی هستند البته به جای تصرف سرزمین‌های بیشتر دنبال جذب قلوب مردم هستند. نزدیکی بیشتر به کشورهای عربی در این راستا ارزیابی می‌شود. اتحاد چهار جانبه بین ترکیه با سوریه، عراق و اردن در طول هفته‌های گذشته از جمله این حرکت‌ها است.

۳- نگاه به شرق به جای نگاه به غرب. رابرت گیتس وزیر دفاع آمریکا این تحلیل را دارد و از آن اظهارنگرانی کرده است. ایشان در توجیه و تفسیر دیدگاه خود می‌تواند چون عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا پذیرفته نشده مقامات ترکیه در اعتراض به این کار به سمت شرق گرایش پیدا کرده‌اند.

۴- بحران اقتصادی حاکم بر قلب و به خطر افتادن صنعت توریسم ترکیه و تلاش برای جبران خسارت‌های ناشی از بحران اقتصادی با گرایش به کشورهای مسلمان و عربی اخیراً یکی از مدیران وزارت گردشگری ترکیه اعلام کرده بود ترکیه امسال بیش از یک میلیون گردشگر مسلمان را برای بازدید از مناطق توریستی این کشور جذب خواهد کرد. اقدامی که در طول سال‌های گذشته بی سابقه بوده است.

ب) اهداف داخلی

- ۱- تحت الشعاع قرار دادن بحران‌های داخلی مثل مسئله اکراد که برخورد دولت با پ ک ک تحت الشعاع این مسئله قرار گیرد.
- ۲- تلاش برای کاهش نقش ارتش در امورات سیاسی با تکیه بر محبوبیت داخلی و همراهی با مردم با اهداف نیل به اعمال محدودیت به نظامیان.
- ۳- توجه به اکثریت خواسته‌های مردمی که به شدت در جهت اسلام‌گرایانه و در تقابل با اسرائیل حرکت می‌کنند. حرکت پوپولیستی

ج) اهداف تلافی جویانه

- ۱- پاسخ به کمک نیروهای اطلاعاتی اسرائیل در آموزش پیش‌مردگان کردها و پ ک ک برای حمله به شهرهای ترکیه.
- تحلیل دولت ترکیه این است که همزمانی تشدید حملات پ ک ک . به خاک ترکیه با موضوع حمله اسرائیل به کاروان آزادی در یک راستا ارزیابی می‌شود و اسرائیل تلاش می‌کند از مشغول شدن ترکیه در بحث برخورد با پ ک ک موضوع کاروان آزادی و مقابله با اسرائیل را تحت الشعاع قرار دهد.

- ۲- پاسخ به مصوبه پارلمان اسرائیل در به رسمیت شناختن قتل عام ارامنه توسط امپراتوری عثمانی در ۲۴ آوریل سال ۱۹۱۵ م که مدعی اند امپراتوری عثمانی حدود ۱/۵ میلیون نفر از ارامنه را قتل عام کرده است.
- ۳- اقدامات اسرائیل و آمریکا در چالش آفرینی برای ترکیه در کردستان عراق به ویژه در کرکوک.
- اینها همه از عواملی هستند که بیش از گذشته؛ ترکیه را به سمت دوری از رژیم صهیونیستی و واشنگتن سوق داد.
- آثار مثبت اقدام ترکیه:**

- ۱- زنده شده مسئله فلسطین و کمک به خروج غزه از محاصره چند ساله .
- ۲- ایجاد اجماع دولتی، مردمی، رسانه ای در قبال مسئله فلسطین و اسرائیل ستیزی در ترکیه و به تبع آن در دیگر کشورهای دنیا.
- ۳- احتمال بیداری کشورهای عربی در پی حرکت‌های ترکیه.
- ۴- خروج مسئله فلسطین از یک مسئله عربی و تبدیل آن به یک مسئله بین‌المللی و شکست «استراتژی حاشیه ای» مقامات رژیم صهیونیستی
- ۵- کاهش روابط ترکیه و اسرائیل و کاهش حضور اسرائیل در منطقه.
- ۶- توجه افکار عمومی دنیا به نفع ترکیه در بحث اسرائیل ستیزی .
- ۷- کمک به مهار رژیم صهیونیستی در منطقه از طریق ائتلاف ترکیه، جمهوری اسلامی ایران، سوریه و ...
- ۸- ائتلاف کشورهای ایران، ترکیه و سوریه می‌تواند به خروج ابتکار عمل از دست قدرت‌های بزرگ بین‌المللی کمک کرده و کشورهای منطقه را میدان دار حل بحران‌های منطقه‌ای نماید.

پیامدهای منفی حرکت ترکیه

- ۱- احتمال خروج رهبری جهان اسلام از دست ایران.
- ۲- به رسمیت شناخته شدن اسرائیل در منطقه با الگویی که ترکیه مطرح می‌کند. به رسمیت شناختن دو دولت اسرائیل و فلسطین در سرزمین‌های اشغالی که مغایر با دیدگاه جمهوری اسلامی ایران و خیلی از کشورهای اسلامی است.
- ۳- غلبه الگوی ترکیه به الگوی اسلامی به علت عملکرد بودن آن طرح و احتمال جایگزینی آن الگو به جای الگوی ایران و راهکارهای مطرح شده از سوی ترکیه به مسئله غرب آسیا.
- ۴- گرایش کشورهای عربی مثل عربستان، مصر و ... به ترکیه و تضعیف نقش ایران در معادلات بین‌المللی و منطقه‌ای.
- ۵- جایگزینی الگوی توجه به مسائل حقوق بشر، دموکراسی و ملتزم کردن اسرائیل به قطعنامه‌های بین‌المللی به جای عنصر اسلامی و اسلام‌گرایی در سیاست خارجی.
- ترکیه برای ادامه روابط خود با اسرائیل شروط ۴ گانه ای را با فرصت یک ماهه جهت پاسخ مقامات صهیونیستی ارائه کرده است که عبارتند از:

- ۱- عذر خواهی ۲- بازگرداندن کشتی‌های توقیف شده ۳- موافقت با انجام تحقیقات بین‌المللی در خصوص موضوع ۴- پرداخت غرامت به بازماندگان (قهرمان پور، ۱۳۸۹: ۷۵-۷۲)
- نگاهی اجمالی به سابقه روابط دو طرف در چند دهه بالاخص یک دهه گذشته و در دولت اسلام‌گرایان حکایت از وجود این نوع فرافراز و نشیب‌ها و مقطعی بودن تنش‌ها در روابط دو طرف بوده است. ملاحظه رفتارهای دو طرف بعد از جنگ ۲۲ روزه غزه که اوج تیرگی روابط بوده است به نوعی موید این تعبیر است چرا که بعد از آن همه بحث‌ها و جنجال‌ها، آقای عبدالله گل رئیس جمهوری ترکیه به تل آویو سفر می‌کند و در پاسخ به سفر ایشان مدتی گذشته رئیس جمهور اسرائیل سفری را به ترکیه داشتند.
- امروزه در پس جنجال‌ها و هیاهوهای سیاسی؛ هیاتی نظامی از سوی ترکیه جهت تحویل گرفتن ۴ فرزند هواپیمای جاسوسی بدون سرنشین سفارشی مرسوم به «هرون» عازم تل آویو می‌شود و یا رفت و آمدهای دیپلماتیکی که در راستای تلاش برای جلوگیری از کاهش روابط دو طرف صورت می‌گیرد گویای این نگاه است که دو طرف تمایل جدی برای قطع روابط ندارند و تعیین شروط از

سوی ترکیه - که فقط منابع ملی ترکیه را تامین می‌کند و هیچ شرطی از توجه به حقوق مردم غزه نشده است - به معنی علاقه مندی این کشور برای تداوم روابط است. از سوی دیگر در رؤس سیاست خارجی ترکیه دشمن دائمی تعریف نشده است. و قطعاً اسرائیل هم برای رواج از فضای ضد صهیونیستی و جلوگیری از الحاق ترکیه به دیگر کشورهای مخالف رژیم صهیونیستی تلاش خواهد کرد روابطش را با ترکیه حفظ کند حتی اگر به بهای عذرخواهی یا پذیرش برخی از شروط ترکیه باشد.

ترکیه برای اسرائیل این قدر مهم است که شیمون پرز در سفر خود به ترکیه درخصوص اهمیت ترکیه گفته بود: «در ترکیه اسلام میانه رو وجود دارد و رهبران ترکیه وزنه ای در مقابل اسلام رادیکال هستند. پیروزی ترکیه در مسیری که در پیش گرفته است پیروزی همه مسلمانان، یهودیان و اعراب و اسرائیل است (شاید این سخن آقای اردوغان نخست وزیر ترکیه در پاسخ به سوالی درخصوص احتمال قطع رابطه با اسرائیل مکمل تحلیل این نوشته باشد که گفتند: «قطعی رابطه با کشوری که آن را به رسمیت شناخته ایم در عرف دیپلماتیک هیچ شان و منزلتی ندارد»)

ترکیه در طول سال‌های اخیر تلاش می‌کند تا خود را به‌عنوان کشوری معرفی کند که موفق شده است قرائت میانه رویی را از اسلام در عرصه سیاسی نشان دهد. و امروزه مخالفت اصل ترکیه با اسرائیل نه از بابا اسلامیت است و نه از بابا دیدگاه‌های دینی. بلکه عمده تمرکز رفتار ترکیه در قبال اسرائیل در حوالی این دو موضوع بوده است:

۱- عدم رعایت حقوق بشر از سوی اسرائیل در غزه و فلسطین

۲- عدم التزام اسرائیل به قطع نامه‌های بین‌المللی

لذا رفتارهای ترکیه را باید با نگاه تامین منافع ملی خودش ارزیابی کرد و نگاه صرف به منافع ملی قطعاً منافع دنیای اسلام را در بلند مدت تامین نخواهد کرد. اگر چه در کوتاه مدت مفید واقع شده باشد.

بدیهی است که مقامات وزارت خارجه کشورمان باید با دقت رفتارهای همسایه شمال غربی خود را زیر ذره بین اقرار داده و میان سیاست‌های اعلانی را بر سیاست‌های اعمالی نشان می‌دهند و ترکیه بیشتر به‌عنوان مانور تبلیغاتی جهت رسیدن به اهداف خودش سیاست‌های مقطعی علیه اسرائیل در پیش گرفته اند و باید در نظر داشت که مقامات ترکیه در پی موقعیت در کسب موقعیت منطقه‌ای ویژه در غرب آسیا، به فکر اهداف عالی تر چون داعیه رهبری جهان اسلام نیفتد امری که خوشایند غرب خواهد بود. چرا که به اعتقاد مقامات غرب، ترکیه و اکنون رهبران حزب عدالت و توسعه با ارئه الگوی جدید واقع گرایانه و با غلبه بر رویکردهای ایدئولوژیک و با تاکید بر اسلام میانه رو هم می‌توانند جلوی اقتدار روز افزون جمهوری اسلامی ایران را در بین کشورهای جهان اسلام بگیرند و هم الگوی تازه ای را جهت حل معادلات بین‌المللی مطرح نمایند بدون این که دست به اقدامات بنیادگرایانه بزنند. با روی کار آمدن اسلام‌گرایان، ترکیه با ناامیدی نسبی از پذیرش عضویتش در اتحادیه اروپا، دوران جدیدی را در حیات سیاسی خود گشود. ترک ها در استراتژی جدید خود با گرایش نسبت به اعراب و اولویت دهی به مسئله فلسطین و برخورد با اقدامات غیر انسانی اسرائیل تلاش کردند جای پای در معادلات منطقه‌ای پیدا کنند تا هم موقعیت قدیم خود را بازیاب و هم به‌عنوان یک قدرت موثر در منطقه در بحران‌های موجود نقش آفرینی کنند. حاصل این نگاه جدید ترکیه را می‌توان از ایفای نقش مقاماتی ترکیه در میانجی‌گری در بحران‌های منطقه‌ای و بحران غزه مشاهده کرد.

ترکیه در دوران جدید و به دنبال فائق آمدن بر مشکلات اقتصادی خود رد طول سال‌های گذشته و کسب موفقیت در بازاریابی اقتصادی در منطقه قفقاز و حوزه بالکان و نقش آفرینی ویژه در تحولات آن مناطق، به فکر کسب موقعیت و سیادت در منطقه کفر آسیا افتاد. دولتمردان ترکیه با زمان شناسی دقیق و با زیرکی و هوشمندی از فشای تحولات داخلی ایران در یک سال گذشته و کاهش تحرکات دیپلماتیک ایران در منطقه، بهترین بهره برداری را کردند و با موضع گیری‌های تند علیه جنایات رژیم صهیونیستی در راه رسیدن به اهداف خود قدم برداشتند تا شاید از این طریق بتوانند آرزوی دیرین ترک ها که همان احیای امپراتوری نو عثمانی است را جامه عمل بپوشانند و در کسوت امپراتوری نو عثمانی، رهبری دنیای اسلام را هم بر عهده بگیرند.

واکاوای رفتار مقامات ترکیه در روزهای اخیر، نشان می‌دهد ترک‌ها به دلایل گوناگونی از موضع تند ابتدایی خود نسبت به رژیم صهیونیستی عقب‌نشینی کرده‌اند که از جمله آنها انتقاد لائیک‌ها از ورود ترکیه به عرصه مبارزه با صهیونیست‌ها است که اعلام کردند چرا رهبران حزب عدالت و توسعه، مردم ترکیه را وارد جنگ ناخواسته ای می‌کنند که هیچ سودی عاید آنها نمی‌شود؟ از طرف دیگر فشارهای غرب برای عقب‌نشینی از مواضع ضد صهیونیستی، ترک‌ها را به عقب‌نشینی از دیدگاه جدیدشان مجبور ساخته به نوعی که آنها اعزام کشتی‌های جدید به مقصد غزه را به حالت تعلیق درآورده‌اند و با تشکیل کمیته‌ای، بررسی موضوع رفتار با اسرائیل و غزه را در دستور کار قرار داده‌اند. در پایان دهه ۵۰ میلادی، ترکیه و رژیم صهیونیستی توافق نامه سری را در زمینه همکاری‌های امنیتی و اطلاعاتی به امضا رساندند. بر این اساس دو طرف توافق کردند که در خصوص تهدیداتی که متوجه امنیت ملی شان است با یکدیگر همکاری اطلاعاتی کنند. هم‌چنین به موجب این توافق ترکیه به دستگاه امنیتی رژیم صهیونیستی، اجازه فعالیت سری در خاک کشورش را داد. در طول سال‌های بعد نیز روند همکاری‌های دو جانبه آنکارا و تل‌آویو در تمامی زمینه‌ها ادامه و گسترش پیدا کرد. در سال ۲۰۰۷، حجم مبادلات تجاری دو طرف به حدود سه میلیارد دلار رسید. بر این اساس ترکیه به‌عنوان هشتمین شریک بزرگ تجاری رژیم صهیونیستی شناخته شد. در سال ۲۰۰۸، حجم مبادلات تجاری دو طرف ۳۰ درصد ر شد پیدا کرد. امضای توافقنامه تاسیسی خط لوله بزرگ برای انتقال آب، برق، گاز و نفت از ترکیه به رژیم صهیونیستی نیز یکی دیگر از حوزه‌های همکاری دو طرف بود. در سال ۲۰۰۸، حجم صادرات ترکیه به رژیم صهیونیستی به حدود ۱/۵۳ میلیارد دلار رسیده بود. هم‌اینک حدود ۲۵۰ شرکت صهیونیستی در ترکیه در حال فعالیت هستند. این در حالی است که ۵۸۰ شرکت ترک نیز در سرزمین‌های اشغالی حضور دارند. طی سال‌های گذشته روابط دو طرف در حوزه مسائل امنیتی و نظامی بسیار بالا بوده است. برگزاری رزمایش‌های متعدد نظامی و قراردادهای فروش تسلیحات از جمله همکاری‌های تل‌آویو و آنکارا در این زمینه بود. در سال ۲۰۰۸ حجم مبادلات نظامی دو طرف به ۱/۰۷ میلیارد دلار رسیده بود.

آغاز دوران تنش در روابط ترکیه و اسرائیل

روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه در سال‌های ابتدایی قرن ۲۱، و روابط آنکارا و تل‌آویو را دست‌خوش برخی تغییرات کرد. این تغییرا گرچه مبنایی و ریشه‌ای نبودند به طوری که مقام‌های این حزب بارها از گسترش روابط با رژیم صهیونیستی استقبال کردند اما اتخاذ برخی مواضع و رویکردهای جدید از سوی این حزب در مورد این رژیم، روابط دو جانبه را با تکانه‌هایی روبرو ساخته که در نوع خود بی‌سابقه بوده است. ماجرای ترور «شیخ احمد یاسین» و پس از آن «عبدالعزیز الرنتیسی» رهبران جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) توسط رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۴ را شاید بتوان نقطه آغازین دوران تنش میان ترکیه و رژیم صهیونیستی دانست. «رجب طیب اردوغان» نخست‌وزیر ترکیه در واکنش به این رخداد، از اصلاح «تروریسم دولتی» برای توصیف رژیم صهیونیستی استفاده کرد که در نوع خود بی‌سابقه بود.

علاوه بر این رخداد، انتشار برخی گزارش‌ها مبنی بر افزایش تحرکات رژیم صهیونیستی در شمال عراق و افشای آموزش پیش‌مرگ‌های کرد توسط نیروهای اطلاعاتی و هم‌چنین رد درخواست میانجی‌گری ترکیه بین سوریه و رژیم صهیونیستی، روابط آنکارا و تل‌آویو را رو به سردی برد. دعوت ترکیه از «خالد مشعل» رئیس دفتر سیاسی حماس برای دیدار از این کشور و توصیف این جنبش به‌عنوان جنبش آزادی‌بخش که خشم مقام‌های تل‌آویو در پی داشت، تحول دیگری بود که روابط ترکیه با رژیم صهیونیستی را تحت تأثیر قرار داد. البته در این زمان تلاش‌های آمریکا برای بهبود روابط دو طرف باعث شد تا حدودی ابعاد اختلاف میان آنها کاهش پیدا کند در این میان مقام‌های صهیونیست نیز تلاش می‌کردند تا به قیمت حفظ روابط استراتژیک خود با ترکیه، به برخی اظهارات مقام‌های ترک در خصوص رژیم صهیونیستی کمتر واکنش نشان دهند هم‌زمان مقام‌های ترک نیز تلاش کردند با اعمال کنترل بیشتری بر اظهارات و رفتارهای خود، مانع از سردی بیشتر روابط دو جانبه با رژیم صهیونیستی شوند. اما حمله نظامی رژیم صهیونیستی به غزه در روزهای پایانی سال ۲۰۰۸ میلادی، فضای حاکم بر روابط دو طرف را به شدت بحرانی

کرد. چند روز پس از جنگ رژیم صهیونیستی علیه غزه در ژانویه سال ۲۰۰۹ در جریان نشست مجمع جهانی اقتصادی در «داووس» سوئیس، درگیری لفظی شدیدی میان رجب طیب اردوغان نخست وزیر ترکیه و شیمون پرز رئیس رژیم صهیونیستی در گرفت. اردوغان در این نشست اظهارات تندی علیه اقدامات رژیم صهیونیستی در جریان حمله به غزه ایراد کرد. او در این نشست در مقابل شیمون پرز گفت رژیم صهیونیستی مرتکب جنایت علیه بشریت شده است و جهان نباید چشمان خود را روی بربریت اسرائیلی ها در غزه ببندد. اردوغان گفت چطور می توان رژیمی را که قطعنامه شورای امنیت را نادیده گرفته و اجرا نمی کند به حال خود رها کرد. نخست وزیر ترکیه هم چنین تاکید کرد جنگ غزه او را عصبانی کرده چرا که تلاش بی وقفه او در میانجی گری دمشق و تل آویو این دو را به توافق در خصوص بلندی های جولان نزدیک کرده بود اما جنگ غزه همه تلاش های ترکیه را بر باد داد. او هم چنین اعلام کرد سعی داشته با توافق با حماس مقدمات تبادل اسیر میان رژیم صهیونیستی و این جنبش را فراهم کند اردوغان گفت حتی می توانست حماس را متقاعد کند که اسیر ربهوده شده اسرائیلی را آزاد کند. اظهارات ائتشین اردوغان و ترک کردن نشست توسط وی، بازتاب گسترده ای در محافل سیاسی و رسانه ای ترکیه منطقه و جهان داشت. بسیاری از مردم این کشور در پشتیبانی از مواضع وی تظاهرات گسترده ای کردند و در بازگشتش از اجلاس داووس، استقبال باشکوهی به عمل آوردند. در تظاهرات هایی که چه در جریان جنگ غزه و چه پس از اظهارات اردوغان در ترکیه برگزار می شد، مردم این کشور علاوه بر طرح شعارهای تندی از جمله «مرگ بر اسرائیل»، «اسرائیل قاتل»، «اسرائیل نازی»، خواستار تحریم کالاهای صهیونیستی و لغو توافق نامه های میان آنکارا و تل آویو می شدند. این مساله در جای خود نشان دهنده عمق نفرت آنها از رژیم صهیونیستی بود. (قهرمان پور، ۱۳۸۹: ۸۶-۸۴)

پس لرزه های نشست داووس به اندازه ای روابط دو طرف را تحت تأثیر قرار داد که در اکتبر همان سال، مقام های رژیم صهیونیستی اعلام کردند که در مانور مشترکی که قرار بود در ترکیه برگزار شود شرکت نخواهند کرد. بعدها دوباره دیگر نیز مانور مشترک با حضور دو طرف برگزار نشد. در همین زمان وزارت آموزش و پرورش ترکیه، بخشنامه ای را به مدارس این کشور ارسال کرد و از آنها خواست دانش آموزان به یاد کودکان فلسطینی یک دقیقه سکوت اختیار کنند. این اقدام باعث نارضایتی رژیم صهیونیستی شد و از مقام های ترکیه خواست این بخشنامه را لغو کنند؛ چرا که از نظر آنها این موضوع می توانست باعث گسترش احساسات ضد اسرائیلی در میان کودکان ترک شود. رژیم صهیونیستی نیز در اقدامی مشابه و تقابلی، برنامه ای را در مدارس این رژیم اجرا کرد و مدعی «نسل کشتی ارامنه» در جریان جنگ جهانی اول توسط امپراتوری عثمانی شد. در تحولی دیگر در ماه ژانویه ۲۰۰۹، مجموعه ای تلویزیونی به نام «جدایی» از تلویزیون ترکیه پخش شد که عباری دیگر بر روابط آنکارا و تل آویو نشاناد.

در آن فیلم تصاویر قتل عام کودکان فلسطینی به دست نظامیان صهیونیست نشان داده شد. چندی بعد مجموعه تلویزیونی دیگری با نام «دره گرگ ها» که از نظر رژیم صهیونیستی، «ضد یهودی» بود، از تلویزیون ترکیه پخش شد و تنش جدیدی میان دو طرف ایجاد کرد. همین امر باعث شد در ژانویه ۲۰۱۰، وزارت خارجه رژیم صهیونیستی سفیر ترکیه در تل آویو را احضار کرد. اما اتفاقاتی که در جریان حضور سفیر ترکیه در وزارت خارجه رژیم صهیونیستی رخ داد، خود باعث بروز تنش دیگری در روابط دو طرف شد. صحبت کردن مقام صهیونیست به زبان عبری، نشان دادن سفیر ترکیه بر یک صندلی محقر و قرار ندادن پرچم ترکیه در میز مذاکره، باعث د آنکارا به شدت موضوع گیری و حتی تهدید به فراخوانی سفیر خود از تل آویو کند. هر چند که رژیم صهیونیستی رسماً بابت مائل پیش آمده از ترکیه عذرخواهی کرد. در آوریل سال ۲۰۱۰ رجب طیب اردوغان در سخنانی، رژیم صهیونیستی را خطر اصلی برای صلح در غرب آسیا نامید. نخست وزیر ترکیه پیش از این نیز گفته بود که کشورش نمی تواند در برابر کشته شدن کودکان فلسطینی ساکت بماند و در صورت حمله دوباره رژیم صهیونیستی به باریکه غزه، ترکیه دست روی دست نمی گذارد. «آویگدو لیبرمن» وزیر خارجه رژیم صهیونیستی در واکنش به این سخن اردوغان وی را مشکلی در روابط تل آویو و آنکارا دانست. اما شاید به جرات بتوان گفت که هیچ رویدادی به اندازه حمله نیروهای رژیم صهیونیستی به کشتی حامل کمک های بشر دوستانه

به غزه و کشته شدن ۹ نفر از اتباع ترکیه، روابط دو طرف را تیره نکرد. رخدادی که با وجود گذشت حدود هفت ماه، سایه سنگینی را بر روابط آنکارا و تل آویو انداخته است.

شاید در وهله اول بتوان گفت که اقدامات تحریک برانگیز و تروریستی رژیم صهیونیستی نظیر حمله به کشتی حامل کمک‌های بشر دوستانه و قتل شهروندان ترک عامل اصلی تنش میان آنکارا و تل آویو بوده است. گرچه اقداماتی از این دست توسط رژیم صهیونیستی همواره منبعی برای تنش در منطقه بوده اما نباید فراموش کرد که این گونه رفتارها تازگی ندارد و در طول بیش از شصت سال از عمر رژیم صهیونیستی بارها از سوی این رژیم دیده شده است. بنابراین علت و زمینه اصلی را باید در جایدگیری جست و آن سیاست خارجی ترکیه در سال‌های اخیر و بروز تحول در آن است. به طور کلی به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، باعث ایجاد تحول در سیاست خارجی غربگرای این کشور شد. به ویژه در دو سال اخیر این تحول چشمگیر تر شده است. مقام‌های ترکیه در دوره جدید تلاش کرده اند با بهره گیری از «توازن» در حوزه سیاست خارجی خود و گسترش روابط همزمان با کلیه کشورها و به ویژه کشورهای همسایه در غرب آسیا و قفقاز، نفوذ و تأثیرگذاری خود رد مناسبات منطقه‌ای را افزایش دهند و حتی بتوانند با برگ‌های برنده بیشتری در روابط خود با کشورهای غربی سطح تماس و تعامل خود را به‌عنوان یک کشور تأثیرگذار بالا ببرند. ترکیه با وجود اینکه با رژیم صهیونیستی روابط سیاسی دارد اما در دو سال اخیر تلاش کرده موضعی عملیاتی و مستقل در رابطه با تحولات سرزمین‌های اشغالی که پیش بگیرد. مقام‌های ترک با اقدامات و مواضع به موقع در زمینه تحولات سرزمین‌های اشغالی که بیشتر با ادبیات سیاسی وزین و حامل ارزش‌های انسانی همراه بوده هم از یک سو وزن سیاسی خود در منطقه را بالا برده و هم از سوی دیگر زمینه توجه مردم جهان به اعمال خلاف انسانی رژیم صهیونیستی در قبال مردم فلسطین را فراهم کرده اند. دکتر «محمد مهدی مظاهری» کارشناس مسائل ترکیه در این باره می‌گوید: عوامل مختلفی مقامات ترکیه را در رویکرد ضد اسرائیلی خود تشویق می‌کند. ضمن تأثیر مولفه‌های ایدئولوژیکی در اتخاذ این رویکرد، باید گفت بازتاب مثبت موضع گیری‌های ضد اسرائیلی در افکار عمومی ترکیه فاکتور مهمی در تداوم این مسیر به شمار می‌آید. ضمن آنکه تقویت پرستیژ و وجهه ترکیه در افکار عمومی جهان اسلام نیز عامل مهمی است که ترک‌ها توجهی جدی به آن دارند. علاوه بر عوامل فوق باید به نقش انگیزه‌های اقتصادی در قالب همکاری با جهان اسلام نیز اشاره نمود. ترکیه به‌عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه با میانگین رشد ۸ درصد نیاز وافی به منابع نفتی و گازی کشورهای عربی و اسلامی دارد، ضمن اینکه جهان اسلام بازار بی‌سایه مستعدی است که می‌تواند مقصد بخش قابل ملاحظه‌ای برای تولیدات بنگاه‌های اقتصادی این کشور باشد.

با توجه به تیرگی روابط کنونی ترکیه و رژیم صهیونیستی این سوال مطرح می‌شود که این وضعیت تا چه زمان ادامه پیدا خواهد کرد و به طور کلی چشم انداز روابط آنکارا و تل آویو چگونه خواهد بود؟ مقام‌های ترکیه و رژیم صهیونیستی در عین حال که تلاش می‌کنند در هم‌آوردی در برابر یکدیگر، خود را ضربه پذیر نشان ندهند، می‌کوشند تا وضعیت کنونی را کنترل و از بحرانی تر شدن شرایط جلوگیری کنند.

نقش ترکیه در غرب آسیا

ترکیه در راستای شکل‌گیری جدید توازن قدرت‌های جهان در منطقه غرب آسیا سیاست راهبردی خود را بر اساس ایجاد اتفاق نظر بین آمریکا و اتحادیه اروپا استوار کرده است. تحولات شگرف اخیر در منطقه نشامگر تشدید رقابت قدرتهای جهانی برای تنظیم دوباره جغرافیای سیاسی منطقه و مناطق تحت نفوذ آنان در قاره آفریقا و غرب آسیا است. ترکیه از کشورهای مهم منطقه و متحد کلیدی آمریکا در منطقه است و بسیار مشتاق پیوستن به اتحادیه اروپایی می‌باشد و جایگاه ویژه‌ای در طرح خاورمیانه بزرگ دارد هر چند برخی کشورها مانند فرانسه، معتقدند که ترکیه نقش تروای آمریکا را داراست و در صورت پذیرفته شدن در اتحادیه اروپایی همانند لهستان نقش مدافع آمریکا را خواهد داشت. دولت ترکیه در سال‌های قبل از روی کار آمدن دولت اردوغان همواره تلاش خود را مصروف ورود به اتحادیه اقتصادی اروپا و قرارگرفتن در میان کشورهای اروپایی کرده بود، با روی کار آمدن حزب

عدالت و توسعه این هدف را حداقل در شکل درخواست مستقیم آن رها کرد و تلاش خود را از فشار مستقیم در جهت ورود به اتحادیه اقتصادی بر این سیاست استوار ساخت که نیرومندی و افزایش قدرت اقتصادی و سیاسی ترکیه می تواند کشورهای اروپایی را برای پذیرش احترام آمیز آن به تلاش وادارد. این کشور با شکل دادن به سیاست نگاه به شرق، نگاه خود را متوجه «همسایگان» و در واقع کل منطقه کرد و حرکتی قابل قبول تر و موثرتر از نظر سیاست راهبردی خود را با هدایت داوود اوغلو رئیس دیپلماسی این کشور همراه کرد. اگرچه ورود دولت اسلامگرایی عدالت و توسعه به عرصه قدرت سیاسی ترکیه در چند سال قبل با مقاومت های زیادی همراه بود و ژنرال های این کشور را برای انجام تهدید و کودتا تحریک کرد، اما پس از پیروزی، این حزب با بهره گیری از میراث احزاب اسلامگرایی گذشته همچون حقیقت، رفاه و ... به رغم مقاومت های سرسختانه نظامیان و اسلامگرایان سکولار در جهت ایجاد اندیشه اسلام هراسی، با انجام اقدامات موثر اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی داخلی و سیاست خارجی دوست یابانه خارجی توانست در دور سوم نیز با ۵۰ درصد آرا همچنان رقبای اصلی خود را در تنگنا بگذارد.

کارآمدی امروزی دیپلماسی ترکیه در ارتباط با مسائل منطقه ای با کسب اعتبار برای آنها را باید در پیروزی حزب عدالت و توسعه و انجام اقدامات اساسی و کارآمدی آن و همچنین دستاوردهای این حزب جستجو کرد و بهتر اینکه می توان اساسی ترین و موثرترین عامل در این پیروزی را در موقعیت آن در صحنه مسائل اقتصادی داخلی، از جمله افزایش تولید و صادرات، خاتمه دادن به بحران شدید اقتصادی و رساندن رشد اقتصادی به شش درصد تا سال ۲۰۰۷ و همچنین کاستن از شمار بیکاران ملاحظه کرد. امروزه ترکیه با رونق و با ثبات است و همین امر به رهبران این کشور اجازه می دهد تا در سیاست خارجی با اعتماد به نفس کامل عمل کنند و نزدیکی و پشتیبانی از سیاست های منطقه ای آن را در کشورهای منطقه از رویا به واقعیت تبدیل کنند.

بی درنگ ترکیه امروز در پناه رشد اقتصادی داخلی و دیپلماسی مناسب و اثر بخشی خارجی جایگاه بهتری را برای آینده خود در منطقه و در سطح جهانی تدارک دیده است و به نظر می رسد افزایش قدرت اقتصادی و سیاسی آن، پشتیبانی محکم برای پیشبرد سیاست هایش به ویژه در جلب اعراب و برخورد با سیاست های تجاوزگرانه اسرائیل خواهد بود روزنامه استار در خبری تحت عنوان "دعوت ویژه از طیب اردوغان" نوشت: آمریکا از اردوغان و کشورهای عرب منطقه از جمله مصر، امارات متحده، بحرین، عربستان سعودی، الجزایر، مراکش، یمن و اردن نیز برای شرکت در اجلاس گروه ۸ در آمریکا، دعوت کرده است آمریکا تلاش دارد تا این کشور را به عنوان نمونه مناسب خود معرفی کند. بر اساس توصیه های استراتژیست های آمریکائی که توسط پایگاه اینترنتی "میدل ایست نیوز" ارائه شده پیشنهاد شده است تا ترکیه به جای عربستان در صف متحدان غرب آسیا ای آمریکا قرار گیرد. چراکه به نظر آنان ترکیه می تواند الگوی مناسبی از یک کشور مسلمان- مدرن و با یک سیستم لائیک برای منطقه باشد. باید اعتراف کرد که آنچه ترکیه را امروز به مقام الگوی مدنظر غرب برای غرب آسیا ارتقا داده، ریشه در عواملی دارد که ترکیه از مدت ها پیش در راستای تحقق آنها سرمایه گذاری کرده است.

در خصوص افزایش نقش ترکیه در منازعات اسرائیل و فلسطینی ها برخی تحلیل گران غربی معتقدند به دلیل آگاهی غرب از نگرانی های ترکیه در خصوص افزایش تأثیر و نفوذ ایران در میان فلسطینی ها است که موضع گیری ها و اظهارات جسورانه آنکارا از سوی غرب تا حدودی با صبر و ملایمت مواجه گردید. دولت اردوغان در مسائل منطقه ای، گام به گام وارد غرب آسیا، فلسطین، خلیج فارس، افغانستان و جهان اسلام شده است. در اثنای فجایع خونین غزه، فریاد مردم ترکیه، اعتراض خشم آلود دیپلماسی آنکارا و پرخاش نخست وزیر ترکیه، بیش از حد متعارف مورد توجه افکار عمومی جهان قرار گرفت. اردوغان در قبال سکوت و یا اکتفاء نمودن به شعار توسط رهبران عرب، ناگهان در منطقه غرب آسیا همچون یک قهرمان جلوه گر شد و بیش از سیاستمداران داخلی و خارجی، بر افکار عمومی مردم منطقه تأثیرگذار، اگرچه آنکارا نتوانست در توقف خونریزی ها موفقیت چندانی کسب کند ولی نزد افکار عمومی مردم منطقه محبوبیت بسیاری کسب کرد. البته برخی این گونه تحلیل می کنند که نزد اهل تسنن جهان عرب، میدان داری یک کشور اسلامی سنی (ترکی) در فلسطین بر میدان داری (نفوذ) ایران شیعی ترجیح داده می شود. اعزام کشتی های ترک در قالب کاروان صلح برای شکستن محاصره غزه و حمله وحشیانه کماندوهای رژیم صهیونیستی به این کشتی که

منجربه کشته شدن تعدادی از اتباع ترکیه گردید، ضربه مهلکی بر اعتبار و موقعیت این رژیم در مقیاس جهانی وارد ساخت که هنوز پس از گذشت ماه ها از این حادثه تبعات و پس لرزه های بین المللی آن پایان نیافته است. اردوغان در سفری به سوریه تلاش کرده است تا نقش میانجی را بین تل آویو و دمشق ایفاء کند. وی از اهمیت ارتباط با مصر به علت نقش مصر در فرآیند صلح بین اسرائیل و کشورهای عرب نیز آگاه است، چراکه مصر اولین کشور مسلمانی بود که رژیم اشغالگر قدس را به رسمیت شناخت، بنابراین ترکیه در تلاش است در غرب آسیا صلح و یا سازش نسبی را رهبری کنند، اما ترک ها می دانند که عربستان سعودی خواهان آن است که برای کشورهای عرب نقش پدر را ایفا نماید.

عبدالله ابن عبدالعزیز- پادشاه عربستان سعودی- اخیراً به ترکیه سفر کرد، وی اولین پادشاه عربستان سعودی بود که پس از ۴۰ سال به ترکیه سفر می کرد. در حقیقت پیش از این ارتباط بین دو کشور به سبب ساختارهای متفاوت حکومتی و برخی ملاحظات، رابطه ترکیه با اسرائیل کاهش یافته بود؛ اما گس از قدرت گیری محافظه کاران در اسرائیل و سفر اردوغان به عربستان سعودی، ترکیه تمایل اش را به برقراری ارتباط و مناسبات گسترده تر با عربستان سعودی ابراز کرد. در واقع برخی از اهداف مشترک هم باعث نزدیکی این دو کشور می شود. عربستان سعودی و ترکیه هر دو خواستار ایفای نقش مهم تری در برقراری صلح در غرب آسیا هستند. از نظر اقتصادی نیز به جز موارد مربوط به انرژی، ترکیه می تواند پلی بین کشورهای غربی و عربستان سعودی باشد. ترکیه نیز تمایل دارد با کشورهای حاشیه خلیج فارس مناسبات سیاسی و مبادلات فراگیر اقتصادی برقرار کند که در این راستا گسترش مناسبات با عربستان سعودی بهترین فرصت و زمینه برای این امر مهم است. سفر عبدالله گل، رئیس جمهوری ترکیه به عربستان که طی ۲۰ سال اخیر نخستین سفر و یم گام جدید در روابط بین دو کشور تلقی می گردد زمینه های ارتقاء جدی مناسبات سیاسی- اقتصادی را بیش از پیش فراهم ساخت. دولتمردان ترکیه می دانند که بازار کشورهای حاشیه خلیج فارس بسیار غنی و بهترین گزینه برای صدور کالاهای ترک است چه بسا دو دلیل دیگر برای دولت آنکارا وجود داشته تا تلاش کند نقش پیشرو را برای پایان دادن جنگ اسرائیل و فلسطینیان ایفا کند. (قزلباش، ۱۳۹۰: ۱۳۲-۱۲۸)

۱. ترکیه جایگاه شورای امنیت سازمان ملل را (اول ژانویه ۲۰۰۹) را برای دو سال از آن خود کرده است. بنابراین دولت آنکارا مسئولیت افزون تری برای کار با پنج عضو دائم و نه عضو غیردائم شورای امنیت برای بازگست صلح و امنیت به این کشور را دارد.

۲. ترکیه تنها کشوری است که روابط نزدیک با تمام طرف های درگیر را دارد. در واقع این نزدیکی به خصوص در زمان بحران حیاتی است که میانجی گری امتیازی برای ترکیه باشد. بنابراین احمد دوات اوغلو مشاور ارشد سیاست خارجی اردوغان که گفته می شود مسئولیت دیدار غیر منتظره با خالد مشعل رهبر در تبعید حماس در فوریه ۲۰۰۶ داشته است مجدداً برای یافتن راههای پایان دادن جنگ به منطقه عازم شد. به نظر می رسد پس از اینکه اسرائیل به طور یکجانبه اعلام کرد که عملیات نظامی را (۱۷ ژانویه ۲۰۰۹) به اتمام رسانده دعوت اوغلو نقش مهمی را در راضی کردن حماس برای پایان دادن به حملات راکتی به مقر صهیونیستها در شمال و شرق غزه داشته است.

باید گفت در مجموع، موفقیت ترکیه در دیپلماسی منطقه پر تنش غرب آسیا، به طور بالقوه جایگاه و موقعیت ترکیه را نزد اروپا و آمریکا تقویت می کند و می تواند در روند عضویت در اتحادیه اروپا کمک شایانی به ترکیه بنماید. پر واضح است که دنیای غرب از این که با تغییرات شگرفی که جامعه عربی به خود می بیند احساس نگرانی شدید می کند و این گونه برداشت می کند که منافعش در معرض تهدیدهای جدی است. در عین حال شاهدیم که غرب و برخی متحدان عربش تا چه اندازه از نفوذ ایران در منطقه نگرانند. این نگرانی تا بدانجا است که برخی تحلیلگران از آن به عنوان جنگ سرد غرب و متحدان عربش با ایران یاد می کنند.

اردوغان، نخست وزیر ترکیه در نشست داووس در ژانویه ۲۰۰۹ که در آن با شیمون پرز، رئیس جمهوری اسرائیل درگیری لفظی داشت و بر سر قضایای منطقه و جنگ اسرائیل در غزه او را به شدت مورد انتقاد قرار داد و شماتت کرد، در حقیقت از دیپلماسی تازه خود در غرب آسیا پرده برداری کرد. وی دیپلماسی خارجی ترکیه را در این منطقه به طور بی سابقه ای فعال کرد و برای نخستین بار شاهد بودیم که ترکیه مکتب سیاسی تازه ای را به منطقه ارائه داد که تاکنون مورد استقبال افکار عمومی غرب آسیا قرار گرفته است. از آن به بعد دیدیم که ترکیه در تحولات منطقه به چه ترتیب وارد شد. از یک سو توصیه اصلاحات به رهبران عرب می داد که در مصر و سوریه نمونه آن را دیدیم و از سوی دیگر برای آینده سیاسی دیگر کشورهای عربی نقشه راه ارائه می داد شبیه آنچه در لیبی شاهد بودیم. ترکیه همچنین با فعال سازی جنبش های اسلامی در منطقه و تقاضا از جامعه جهانی برای تجدیدنظر نسبت به رویکرد خود در برابر جنبش حماس نمونه تازه ای از حکومت معتدل اسلامی ارائه داد که در حال حاضر به نمونه ایده آلی برای بسیاری از حکومت ها تبدیل شده است. این یادداشت در نهایت این گونه پایان می یابد: بسیار سخت است تصور کنیم غرب آسیا ای مطابق با معیارهای دموکراتیک تشکیل شود. غرب آسیا ای که سال ها از استبداد رنج برده و سایه تنش با اسرائیل را که هر گونه راه حلی برای پایان دادن به بحران سیاسی را رد می کرد، قرار است پوست اندازی کرده و از حالا به بعد دموکراتیک باشد. اما نمی توان این حقیقت را نادیده گرفت که ملت های منطقه ناچارند در نهایت با تغییر حکومت ها خود اقدام به تشکیل حکومت های جدید کنند حال این حکومت ها از نوع ترکیه باشد یا ایران. این حقیقتی غیرقابل انکار است که رقابتی نفس گیر میان ایران و ترکیه در غرب آسیا وجود دارد که بر اراده ملت های غرب آسیا اثر گذاشته و هر کدام با شیوه ویژه خود حکومت های آینده را مشابه یا متمایل به خود و منافعشان شکل دهند. برخی ها اقدامات ترکیه را یک ژست دیپلماتیک برای امتیاز گیری از اعراب و اسرائیل به صورت همزمان می دانند بی آنکه سیاست های بنیادین ترکیه نسبت به اسرائیل تغییر کرده باشد حزب عدالت و توسعه با پیروزی خیره کننده در انتخابات پارلمانی نوامبر ۲۰۰۲ شروع به تنش زدایی با همسایگان نمود و همزمان نیز در سطح داخلی اصلاحات سیاسی جهت برآورده کردن معیارهای کپنهاگ به منظور عضویت در اتحادیه اروپایی را آغاز کرد. زلزله یونان در سال ۱۹۹۹ مقدمه تنش زدایی با این کشور شد. دستگیری عبدالله اوچالان تنش ها را با سوریه کاهش داد و سرکار آمدن اسلام گریان باعث بهبود روابط با ایران شد. نپوستن به حمله آمریکا به عراق هم تصویر ترکیه را در جهان عرب ترمیم کرد. تلاش ها برای حل مسئله قبرس و نیز کشتار ارمنه آغاز شد و با روی کار آمدن احمد داوود اوغلو تزوی در مورد صفر کردن مشکلات با همسایگان از پشت پرده به روی صحنه سیاست خارجی ترکیه منتقل شد. او البته نیم نگاهی هم به میراث عثمانی دارد و معتقد است ترکیه به عنوان وارث عثمانی باید از کشورهایی که سابقاً جزو عثمانی بودند حمایت کند. به این ترتیب تنش های ترکیه به عنوان وارث عثمانی باید از کشورهایی که سابقاً جزو عثمانی بودند حمایت کند. به این ترتیب تنش های ترکیه با همسایگان خود به حداقل رسید و احساس انزوای آنکارا در منطقه تا حد بسیار زیادی از بین رفت. در چنین شرایطی ترکیه احساس می کند نیاز چندانی به تل آویو برای خروج از انزوا یا مقابله با سوریه و ایران ندارد. به تعبیری بهره وری تل آویو در سیاست خارجی ترکیه به واسطه اجرای سیاست صفر کردن مشکلات به صورت محسوس کاهش یافته است. لذا تعجبی ندارد که اردوغان در اجلاس داووس به عملکرد اسرائیل در حضور رئیس جمهور آن اعتراض می کند. البته حمله اسرائیل به غزه و رد میانجی گری آنکارا در مذاکرات صلح سوریه با اسرائیل از سوی تل آویو آثار منفی بر ذهنیت رهبران AKP داشت، اما به نظر می رسد تغییر شرایط منطقه و کاهش نیاز ترکیه به اسرائیل نباید انتظار داشته باشیم روابط دو طرف به ماه عسل نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ برگردد. هر چند معنای این گفته قطع روابط میان دو طرف نیست (رستمی، ۱۳۹۰: ۲۱-۲۰).

مشکل آب برای رژیم صهیونیستی و ترکیه

«آب، گنج هزاره سوم»، این شعار سازمان ملل است که در کنار آن دهه ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵ را دهه آب معرفی کرده است. آری؛ آب مایه حیات است همان گونه که ۵۰۰ سال قبل از میلاد، فیلسوف یونانی می گفت: همه چیز آب است و جهان از یک گوهر بنیادی

به نام آب به وجود آمده. حتی اگر گفته های اغراق آمیز طالس را نادیده بگیریم؛ باز هم نمی توانیم اهمیت این ماده حیاتی را انکار کنیم. به خصوص که در دنیای امروز آب، جایگاهی همانند نفت پیدا کرده و با توجه به این که کارشناسان، قرن آینده را قرن بدون نفت نامیده اند، چه بسا در آینده ای بسیار نزدیک به سرمایه استراتژیک و مهم تری نسبت به نفت تبدیل شود.

از نظر سیاسی نیز دسترسی به آب های آزاد و بین المللی برای یک کشور، از نظر ژئوپلیتیکی موقعیتی ممتاز محسوب می شود و این موضوع نقش مهمی در سیاست خارجی آن کشور و تأثیر بر کشورهای همسایه دارد. به همین دلیل پیش بینی شده که در آینده یکی از عوامل منازعات میان دولت ها، منازعه بر سر منابع آب مشترک باشد.

از دیدگاه اقتصادی نیز وجود رودخانه های پرآب در یک کشور بزرگترین سهم را در رونق کشاورزی و تولید برق در آن کشور دارد. اما فارغ از مسائل تاریخی، سیاسی و اقتصادی و گردشگری، در این گزارش سعی شده که آب، تنها از دو منظر بررسی شود. یکی مسأله بحران منابع آب و دیگری آلودگی این منابع کمبود در غرب آسیا و کشورهای شمال آفریقا نمود بیشتری دارد؛ چراکه این کشورها، هم در منابع آب های سطحی و هم در منابع آب های زیرزمینی با همسایگان خود مشترک هستند و این خود می تواند در آینده به یکی از عوامل اختلاف میان کشورهای فوق تبدیل شود. علت بحران آب در غرب آسیا را می توان در شرایط اقلیمی این منطقه جست و جو کرد. آب و هوا در این منطقه عمدتاً خشک و نیمه خشک بوده و به جز نقاط مرتفع سوریه و لبنان میانگین بارندگی سالانه کمتر از ۲۵۰ میلی لیتر در سال است. تنها ترکیه و ایران از منابع آب مناسب برخوردار هستند. هر چند که ایران نیز جزو مناطق خشک و نیمه خشک بوده و به جز نقاط مرتفع سوریه و لبنان میانگین بارندگی سالانه کمتر از ۲۵۰ میلی لیتر در سال است. تنها ترکیه و ایران از منابع آب مناسب برخوردار هستند. هر چند که ایران نیز جزو مناطق خشک به شمار می رود و متوسط بارندگی سالانه در آن کمتر از یک سوم متوسط بارندگی در کره زمین است و آن میزان بارندگی نیز در سطح کشور توزیع یکنواختی ندارد. اکثر رودخانه های دائمی کشور نیز در نواحی شمالی و غربی آن قرار دارند که از همان توزیع غیریکنواخت بارندگی ناشی می شود. در منطقه غرب آسیا، بیش از ۷۰ درصد منابع آب به آبیاری در بخش کشاورزی اختصاص داده می شود. اهمیت بخش کشاورزی برای ایجاد درآمد ملی، استفاده بی رویه از منابع آب برای آبیاری را به دنبال داشته و این کشورها را با خطر خشکسالی روبه رو کرده است. در سالهای اخیر نیز جنگ در امتداد منطقه غیرنظامی میان اسرائیل و سوریه در دهه ۱۹۵۰ زمانی در گرفت که سوریه سعی در قطع و توقف ساخت خط لوله آب مصرفی داخل اسرائیل را داشت، یعنی کانالی که برای تامین آب برای بخش جنوبی اسرائیل بکار می رفت و از منابع نزدیک به سرچشمه در سوریه جاری می شد. در دهه ۱۹۶۰ اسرائیل برای جلوگیری از انحراف جریان آب رودخانه اردن (چشمه های حسبانی و رودخانه یرموک) از زور حملات هوایی علیه تأسیسات آبی سوریه استفاده کرد. این اقدامات نظامی به تنش های منطقه ای انجامید که سرانجام منجر به جنگ سال ۱۹۶۷ شد. نیروهای اسرائیلی بین سالهای ۱۹۶۷ و ۱۹۷۰ به طور مرتب تأسیسات و کانال آبی غور شرقی (که اکنون ملک عبدالله نامیده می شود) را در دره اردن به مثابه یک هدف استراتژیک و در پاسخ به حملات سازمان آزادی بخش فلسطین، بمباران کرد. به قول موشه دایان فرمانده ارتش اسرائیل (برای اسرائیل آب آنقدر مهم است که در سال ۱۹۷۶ وارد جنگ شد)

هرگاه امروز به هزاران سال پیش نظر بیندازیم، به زمانی که داریوش کبیر ایرانی قابلیت شگرفش را در زمینه بهره گیری از آب به عیان گذاشته و شبکه آبیاری وسیعی را از میان صحرای سوریه کشید، این احساس را نمی توان از خود دور کرد که از آن زمان تا به امروز، سرزمین پر ثمر بین النهرین به سرایشی می رود. با این وجود هر گاه تاریخ ما را به اشتباه بیندازد و همواره از قهرمانها و نه ستمگری ها یاد کند، نمی توان نادیده گرفت که بین النهرین کهن همواره یک کوره نآرام را تشکیل می داده و بسیاری از درگیری ها نیز بر سر مسئله آب بوده است؛ چه در آن زمان و چه امروز پروژه توسعه جنوب شرقی آناتولی (که در داخل ترکیه به GAP مشهور است) به لحاظ نظری می تواند ۹۰ درصد سهم آب عراق از رودخانه فرات و ۴۰ درصد سهم سوریه را از طریق ساخت سیستم سد هایی که آب مورد نیاز مناطق فقیرنشین ترکیه را جهت آبیاری و برق آبی فراهم خواهد کرد، منحرف سازد. از ۱۱ آوریل ۱۹۹۵ آب فرات به داخل مزارع آفتاب سوخته جلگه هاران عرفا در ترکیه تغییر مسیر داده است. هم اکنون فقط ۲

درصد از جریان آب رودخانه مزبور مسیر طبیعی خود را به سمت عراق و سوریه طی می کند. اما در سالهای آتی ترکیه قصد دارد دست کم یک سوم از آب رودخانه فرات را برای مقاصد کشاورزی و نیازهای انرژی به داخل مرزهای ملی خود هدایت نماید. (ساری صراف، ۱۳۸۴: ۲۱۶-۲۱۵)

در گفتارهای قبلی هر چه گفتیم مربوط به تهدیدات سیاسی اسرائیل می باشد که در روابط با ترکیه و منازعه با اعراب و ایران در پی حل آن است ولی تهدیدی دیگر برای اسرائیل آب می باشد که اهمیت آن حتی از موارد سیاسی زیادتر نباشد کمتر نیست تامین آب چهار میلیون یهودی در این منطقه برای رژیم اسرائیل مشکل بزرگی است اسرائیل برای تامین آب خود در پروژه سرقت آب از آب رود اردن و دریای جلیله استفاده می کند همین طور رود یرموک توسط خط لوله تل آویو سفره های آب زیرزمینی که در اشغال اسرائیل است نیز منبع دیگری به شمار می رود آب ارتفاعات جولان که متعلق به سوریه می باشد و در اشغال اسرائیل منبع مهم دیگری است ولی در اثر استفاده زیاد اسرائیل آب دریای تبری در حال کم شدن می باشد و اسرائیل وضعیت فلاکت باری دارد مقل از رود اردن مقدار آب مصرفی اسرائیل بر خلاف حقوق بین الملل از رود اردن خیلی زیاد می باشد حتی مخالفت اسرائیل با ساخت سد روی رود اردن به نام وهبا به دلیل تامین آب مصرفی اسرائیل از این محل می باشد و اکثر آب مصرفی اسرائیل از مناطق تحت اشغال و جاهایی است که در اختیار فلسطینیان می باشد لذا دست از اشغال مناطق فلسطینی مورد تاکید سازمان ملل بر نمی دارد این همه نتیجه زیر را در بردارد که اسرائیل منابع آب سوریه و اردن و ... و فلسطینیان را در اختیار و مورد استفاده قرار می دهد ولی باز این برای اسرائیل کافی نیست این مستلزم سیاست تامین آب در منطقه و لذا سرقت و گسترش بحران می باشد وزیر کشاورزی اسرائیل می گوید «آب یک بمب ساعتی است و اگر مردم منطقه برای محدودیت آب راه حل مشترکی پیدا نکنند جنگ قطعی است» پروفیسور آرمون استاد دانشگاه هیفا نیز می گوید «به خاطر نحوه استفاده از آب در غرب آسیا جنگ رخ خواهد داد».

مسئله آب برای غرب آسیا و به ویژه اسرائیل به قدری مهم است که اسرائیل سعی می کرد با فشار به ترکیه جهت حل مشکل با سوریه مشکل آب مورد نیاز خود را (از بلندی های جولان) حل کند به طوری که شیمون پرز رئیس جمهور اسرائیل آشکارا اعلام کرد (بدون حل مسئله آب هیچ تفاهمی نمی تواند بین اسرائیل و سوریه امضاء شود در تئوری سوریه از ترکیه آب می گیرد و ما هم منابع تحت کنترل خود را حفظ می کنیم)

سیاست آب بر روی نیل

اسرائیل هنگام بحث از مرز با اشاره به تورات مرزهای بین رودخانه نیل تا فرات را متعلق به خود می داند که مطابق تعلیمات تورات تحریف شده سیاست تامین بین این دو مرکز آب را دنبال می کند تا تعلیمات تورات با سیاست اسرائیل یکی شود.

از طرفی اتیوپی نیز معدن آب آفریقا است ۸۰ درصد آب نیل در اختیار این کشور است و به قول چرچیل مصر نیل است و نیل مصر اهمیت آب برای مصر نیز مهم است ولی کنترل آب نیل در اختیار اتیوپی می باشد که برابر سیاست آمریکا اسرائیل و اتیوپی روابط نزدیکی دارند بعد از اتیوپی دومین مرکز آب آفریقا در سودان است هر چند اسرائیل نتوانسته بود سودان را مانند مصر طی قراردادی به نام کمپ دیوید به خود جلب کند ولی اخیراً بحث استقلال جنوب سودان در همین سیاست و برای آب است در کل سیاست اسرائیل در اختیار گرفتن آب و نفت غرب آسیا می باشد و در نهایت حتی با تحت کنترل قرار دادن جنوب سودان و اتیوپی سیاست فشار بر مصر را دنبال خواهد کرد.

در بحث گاپ نیز اسرائیل به دنبال آب ترکیه است اگر سوریه و اسرائیل سر آب با هم درگیر شوند لذا سوریه ترکیه را تحت فشار برای دادن آب زیاد به سوریه خواهد کرد و اگر سوریه و اسرائیل با هم سر آب تفاهم ایجاد کنند اسرائیل به ترکیه فشار خواهد آورد که سهم آب زیادی به اسرائیل توسط ترکیه داده شود اسرائیل با یک سیاست دوگانه همانطور که اتیوپی را شیر فلکه آب نیل برای سایر کشورهای همسایه می دید و با آن روابط بسیار نزدیک داشت آب ترکیه و پروژه گاپ را شیر فلکه آب برای کشورهای پایین

دستی ترکیه می بیند و عاقله به رابطه با ترکیه دارد ولی همانطور که توضیح داده شد در صورت تفاهم احتمالی با سوریه به ترکیه فشار می آورد تا سهم آب زیادتری به اسرائیل دهد.

۶- بحث و نتیجه گیری

در چند سال اخیر برخی امیدواری ها از ورود ترکیه به جرگه مقاومت در منطقه ایجاد شد ولی در سال ۲۰۱۱ از ترکیه سیاست های خاصی متبادر شد که موجب تعجب برخی از سیاستمداران شد آیا حزب عدالت و توسعه از سیاست های منطقه ای خود آگاهی دارد یا خیر زمانی که ترکیه همراه برزیل بیانیه تهران را در جهت حل مسئله هسته ای ایران امضاء و به قطعنامه شورای امنیت رای منفی داد. همه کارشناسان حداقل در ایران ترکیه را در کنار ایران و رودرو با اسرائیل و غرب دانستند.

از سوی دیگر نوع رفتار و چرخش های دولتمردان ترکیه در عرصه سیاست منطقه ای پرسشها و واکنش های خاصی را ایجاد کرده است که واقعا آنکارا و رهبران حزب عدالت و توسعه به دنبال چه هستند و چرا در برخی از مواقع مواضع دوگانه اتخاذ می کنند و واکنش رجب طیب اردوغان نسبت به مدیریت اجلاس داووس و موضع تند وی نسبت به رئیس رژیم صهیونیستی شیمون پرز آغاز رسمی این چرخش سیاسی بود. پس از آن جدال ترکیه و اسرائیل بر سر ارسال بسته های کمکی به غزه و جلوگیری نیروهای امنیتی و نظامی اسرائیل که سبب شد ۹ نفر از شهروندان ترکیه جان خود را از دست بدهند و همینطور جدال بر سر تبادل سفرا این سؤال را ایجاد کرد که واقعا در منطقه چه خبر می باشد.

در مورد این مسئله که ترکیه در منطقه در چه جایگاهی ایستاده و رویکرد آن چیست باید چند محور را مدنظر قرار داد ترکیه میراث دار عثمانی است و هنوز از خلا هویت ملی انسجام یافته رنج می برد. مبنای ساخت دولت و سیاست در ترکیه پس از عثمانی غربگرایانه بوده و عضویت در پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در سال ۱۹۵۲ اولین گام غرب بوده است. در هر صورت ترکیه در منطقه اوراسیا قرار دارد و آمریکا بعد از جنگ دوم جهانی برای ایجاد پایگاهی در منطقه و چسبیده به مرزهای شوروی به ترکیه نیازمند بود از این رو ترکیه اولین کشور منطقه و تنها کشور اسلامی بود که عضو ناتو شد و در کنار تهدید شوروی در دوران جنگ سرد ترکیه پنجره ای بود به غرب و ناتو. پس از آن ترکیه تمایل خود برای پیوستن به اتحادیه اروپا را اعلام کرد ولی تا امروز با این امر مخالفت شده است به خصوص فرانسه و آلمان ترکیه در حالی به اروپائی شدن گرایش دارد، که عمده ذهن و زبان و فرهنگش شرقی است همین مسئله دوگانگی هویت عمیق در داخل کشور ایجاد کرده است که در دولت و سیاست مشاهده می شود. احزاب غرب گرا با کمک ارتش تا چند وقت قبل اجازه فعالیت به اسلام گراها را نمی دادند و هر بار اسلام گراها به قدرت نزدیک می شدند با کودتا جلو آن را می گرفتند. (کودتا در دوران جنگ سرد در سه دوره ۱۹۸۰، ۱۹۷۱، ۱۹۶۰، ۱۹۹۶) از طرفی سیاست های غربگرایانه و سختگیرانه کمالیست ها و نظامیان موجب شد جایگاه آنها کاسته شده است و مردم به سمت احزاب جدید و به حزب عدالت و توسعه شد که این دوگانگی در این دوران نیز ادامه یافت و علی رغم شروع مذاکرات حزب عدالت با اتحادیه اروپا از سال ۲۰۰۵ در حالی که با سیاست شرق گرایانه بیگانه بود ولی وقتی به این نتیجه رسید که از این روش نمی تواند به عضویت اتحادیه در بیاید سیاست واکنشی و شرق گرایانه خود را شروع کرد تا بیش از گذشته حساسیت غرب را تحریک کند حملات لفظی آنکارا به اسرائیل در این راستا بود. البته عمده تفکرات شرق گرایانه ترکیه را باید در تفکرات داود اوغلو دانست که در سال ۲۰۰۹ از پست مشاورت نخست وزیر به وزارت خارجه رسید وی معتقد است سیاست خارجی ترکیه مانند کمانی است که هر چه زه آن به سمت شرق کشیده می شود تیر آن به سمت غرب می رود ولی این سیاست تا زمانی اجرائی است که حزب عدالت و توسعه در ترکیه در راس قدرت باشد و در صورت به قدرت رسیدن سایر احزاب جهت گیری سیاسی آنها تغییر می کند. چون اندیشه های متفاوتی در ترکیه وجود دارد و هر کدام که در راس باشند سیاست گذاری آنها متفاوت خواهد بود. لذا رویکرد سیاست در این کشور استراتژیک و درازمدت نیست و رویکرد تاکتیکی و کوتاه مدت دارد و این یعنی سیاست توام با آزمون و خطا یکی از این نمونه عادی و افزایش روابط با ارمنستان بود که در راستای سیاست به صفر رساندن مشکلات با همسایگان ترکیه نسبت به افزایش ارتباطات با ارمنستان

اقدام ولی با اعتراض گسترده آذربایجان مواجه و در جهت حفظ دوستی مهم با این کشور روابط با ارمنستان را در همان سطح سابق نگه داشت.

در مورد غرب آسیا نیز ترکیه تا سال ۲۰۱۱ در جبهه مقاومت و در برابر اسرائیل قرار داشت و سعی در نفوذ در کشورهای منطقه را داشت ولی بعد از تحولات بیداری اسلامی در منطقه غرب آسیا سیاست ترکیه با مشکل مواجه و بعضاً سیاست و رویکردهای متفاوت و چرخش در مواضع مواجه شد و تاکتیک حزب با مشکل مواجه شد که نمونه عالی آن در اتخاذ سیاست های علیه سوریه که محور مقاومت می باشد.

لازم به ذکر است ترکیه در مقطعی به سمت منطقه غرب آسیا گرایش پیدا کرد که سیاست منطقه ای آمریکا در منطقه تثبیت شده و نقش کشورهای عربستان و اردن و اسرائیل و حتی گروه های مقاومت مشخص شده بود در این شرایط اردوغان و حزب متبوعش تنها با حمله لفظی به اسرائیل می توانست در قلوب مسلمانان منطقه نفوذ کند. ولی تحولات منطقه این سیاست ترکیه را به هم زد و شاید در این اندیشه است با فروپاشی دولت های منطقه مانند سوریه و ... محل بیشتری برای فعالیت پیدا می کنند.

به نظر می رسد با توجه به تحولات اخیر در روابط ترکیه با دو رقیب منطقه ای خود یعنی اسرائیل و ایران حاکی از سیاست دو وجهی ترکیه در قبال این دو و سایر بازیگران جهانی و منطقه ای می باشد به طوری که ترکیه سعی دارد با پیگیری سیاست های دو جانبه در قبال این دو گروه یعنی ایران و غرب آسیا و غرب و اسرائیل چند سیاست خود را پیگیری نماید.

در استفاده از توان خود جهت کنار زدن ایران در بحث مناقشه غرب آسیا به جهت اهمیت غرب آسیا و احیای قدرت خود در منطقه تغییرات اقتصادی و سیاسی در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ به گروه های اسلامی اجازه فعالیت سیاسی داد. آنها معتقد بودند که اصلاحات کمالیسم برای جایگزین نمودن اندیشه های اسلامی با اندیشه های غربی سکولار اشتباه بزرگی بوده است. بر همین اساس آنها پس از دهه ۱۹۷۰ به اندیشه ملی گرایانه با قرائتی اسلامی روی آوردند و تاکید می نمودند که آینده ترکیه بستگی به ارتباط با کشورهای اسلامی دارد نه کشورهای غربی. ترکیه بزرگ یکبار دیگر شعار این حزب بود.

در بین کشورهای منطقه وسیعی که از بالکان تا غرب آسیا و قفقاز امتداد دارد، ترکیه با سرعت بیشتری به سمت پیشرفت، مردم سالاری، بهبود مناسبات با کشورهای همسایه، توسعه اقتصادی و چگونگی برخورد با اسلام سیاسی گام برمی دارد. ترکیه برخوردار از استقلال رأی که در جهت حل مشکلات سنتی خود یعنی اسلامگرایی و مسأله کردها گام برمی دارد و در ظاهر هر روز از ترکیه سکولار طرفدار آمریکا فاصله بیشتری می گیرد کشوری است که می تواند به الگویی برای همه کشورهای اسلامی تبدیل شود و بسیاری از مسلمانان، ترکیه را به عنوان الگو بپذیرند.

ماهیت این روابط محدودیت هایی دارد و زمینه هایی وجود دارد که انتظارات از طرف مقابل باید در حد معین باشد. اسرائیل از سیاست های ترکیه در مورد کردها حمایت نخواهد کرد و ترکیه از سیاست اسرائیل در ساخت شهرکها یا دیگر جنبه های جنجالی سیاست های اسرائیل در قبال فلسطینیان دفاع نخواهد کرد. در سالهای اخیر علاقه تشکلهای یهودی آمریکا به ترکیه افزایش یافته است و هیأت های یهودی اسرائیل دیدار رسمی از ترکیه داشته و اغلب با مقامات ارشد مذاکره کرده اند. با این حال در اینکه این امر به زودی به حمایت بیشتر از ترکیه بیانجامد، تردید وجود دارد، بخصوص از نظر فروش اسلحه. در طول زمان، اگر مناسبات ترکیه با اسرائیل دوام داشته باشد، احتمالاً تداعی معانی مثبتی را نزد اعضای طرفدار اسرائیل کنگره و مقامات قوه مجریه آمریکا بر جا خواهد گذاشت. به دلایل راهبردی، روابط با اسرائیل را ابتدائاً ارتش ترکیه آغاز کرد، نه رهبری غیرنظامی و این کار در پاسخ به احساسات مردمی نبود. با توجه به وجود احساسات اسلام گرایانه در ترکیه، احتمالاً اقلیت قابل توجهی از جمعیت ترکیه همواره منتقد روابط ترکیه و اسرائیل خواهند ماند. نقش اسرائیل در عملیات نجات پس از زمین لرزه سال ۱۹۹۹ در ترکیه باعث شد تا قدری نسبت به این رابطه پشتیبانی ایجاد شود. احساسات قابل توجه ضد عرب در دستگاه های ترکیه به حفظ مناسبات با اسرائیل کمک می کند.

ترکیه علاقه مند است بین اسرائیل و فلسطینیان قرارداد صلح امضا شود. چنین قراردادی مشروعیت روابط با اسرائیل را نزد اقلشار قابل توجهی از مردم که از فلسطینیان حمایت می‌کنند، تقویت خواهد کرد. با این حال، ترکیه در مورد مسیر صلح بین اسرائیل و سوریه نگرانی‌هایی دارد. بازدارندگی در قبال سوریه، محور اصلی روابط ترکیه و اسرائیل بود. آنکارا نسبت به رفع عامل اسرائیل در مقام بازدارنده اقدامات سوریه علیه ترکیه نگران است. صلح بین اسرائیل و سوریه وضعیت موجود که در آن سوریه ضعیف و منزوی و آنکارا از امنیت نسبی برخوردار است، بر هم خواهد زد. با وجودی که کاهش حمایت سوریه از تروریسم ضد ترکیه از زمان اخراج اوجالان، باعث دلگرمی ترکیه شده است، هنوز آنان نسبت به سوریه دچار بی‌اعتمادی عمیقی هستند که بعید است به زودی از بین برود. ترکیه به علاوه از این نگران است که اسرائیل با حمایت آمریکا این پیشنهاد را مطرح کند که سوریه از دست دادن آب جولان را با آب رود فرات جبران کند. آنکارا این نگرانی را نیز دارد که سوریه صرفاً به دلیل قطع رابطه با تروریستهای ضد اسرائیل و بدون اقدام مشابه در مورد سایر تروریستهای ضد ترکیه، از فهرست کشورهای تروریست پرور وزارت خارجه آمریکا کنار گذاشته شود. از دیگر نگرانی‌های ترکیه این است که اسرائیل به سوریه اجازه دهد نیروهایش را به مرزهای شمالی آن انتقال دهد، روابط نزدیکی با سوریه برقرار کند (همان طور که پس از امضای قرارداد صلح مصر و اردن با اسرائیل با این کشورها رابطه نزدیک برقرار کرد) و اسرائیل روابط خود را با ترکیه به روابط با ترکیه ترجیح دهد.

روابط ترکیه با اسرائیل در سال ۲۰۰۰ استوار و چند وجهی بود. گمان می‌رود تلاش‌های صلح سوریه با اسرائیل و ترکیه، تأثیری منفی در آن نگذارد. برای برخی ناظران، روابط ترکیه و اسرائیل نبض ساز عادی سازی روابط مسلمانان با اسرائیل است، درواقع در چارچوب طرح جامع صلح غرب آسیا است، کاملاً محتمل است که روابط اسرائیل و ترکیه هسته نوع جدیدی از روابط منطقه‌ای مبتنی بر موافقتنامه‌های تجاری، امنیتی و در مورد آب تشکیل دهد.

حضور اسرائیل در عراق و تأثیر آن بر اکراد در سه کشور عراق و ایران و به نوعی در سوریه مشکلاتی برای اینها به بار خواهد آورد که می‌تواند مناقشه غرب آسیا را دچار پیچیدگی‌های جدید کند. این مسائل نشان دهنده عدم لزوم و پیگیری ترکیه برای اتحادیه اروپا است در سخنان رئیس‌جمهور ترکیه در سال ۲۰۱۱ کشیده و اعلام کرد احتمال دارد ترکیه درخواست عضویت در اتحادیه اروپا را پیگیری نکند. هر چند این اعلام یک سیاست اعلامی هست و ترکیه همچنان منتظر چراغ سبز اروپا خواهد ماند.

در نگاه دیگری سیاست دولت ترکیه را نمی‌توان در احیای صرف امپراطوری عثمانی به معنای خلیفه‌گری و عناصر اسلامی خلاصه کرد بلکه عده‌ای عقیده دارند نور عثمانی‌گری در ترکیه به معنای احیای نفوذ و اعتبار عثمانی در حوزه شرق است درواقع نو عثمانی‌گری در ترکیه الگویی به جهان اسلام معرفی می‌کند که عناصر اصلی دموکراسی غربی مدفون در تعبیر اسلامی و به نوعی اسلام دموکراتیزه شده به سبک غربی را معرفی و خطرات اسلام بنیادگرا را برای اسرائیل که منافع ملی غرب و آمریکا هست نیز حفظ و در سایه آن میانجی بین این دو و قدرت اول منطقه خواهد شد.

ترکیه با توجه به وزن منطقه‌ای ایران و انرژی آن ایران را هدف گرفته است و قصد دارد از طریق اکو و منابع نفت ایران و احتمالاً انتقال خطوط نفت ایران از طریق ترکیه نسبت به ارتقاء وزنه اقتصادی و سیاسی خود اقدام کند. ترکیه برای ارتقاء موقعیت خود غالب اقتصادی با اندک مایه‌های سیاسی را برای ایران انتخاب کرده است هر چند خوش‌خیالی است که ترکیه را دوست بی‌ادعا دانست بهتر است رقیب جدی شماره شده.

داوود اوغلو فارغ‌التحصیل رشته علوم سیاسی در سال ۱۹۸۴ از دانشگاه بوسفور است و پس از کسب مدرک فوق لیسانس در رشته روابط بین‌الملل، دکترای خود را هم در این رشته در سال ۱۹۹۹ دریافت کرده است. وی معتقد به استفاده بهینه ترکیه از میراث تاریخی و جغرافیایی خود در سیاست خارجی این کشور است. داوود اوغلو و حزب عدالت و توسعه در تلاش برای بازگرداندن جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی ترکیه، التزام به شش اصل را ضروری می‌دانند:

۱- توازن متناسب بین آزادی و امنیت، ۲- سیاست به حد صفر رساندن مشکلات با کشورهای همسایه، ۳- تأثیر در مناطق داخلی و خارجی، ۴- اصل سیاست خارجی چند بعدی، بنابراین اصل ترکیه باید در کنار حفظ رابطه استراتژیک با غرب، روابط سیاسی

خود را با کشورهای مسلمان غرب آسیا گسترش دهد. به باور داود اوغلو، این دو مسئله هیچ تقابلی با یکدیگر ندارند و در عوض نفوذ ترکیه در میان شوراهای مسلمان غرب آسیا به افزایش قدرت چانه زنی ترکیه در برابر غربی‌ها خواهد انجامید، و به ویژه به پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا، یاری می‌رساند.

داود اوغلو بر این باور است که با افزایش نفوذ ترکیه در میان کشورهای اسلامی، و متعاقب آن پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا، در آینده نزدیک ترکیه به یک قدرت منطقه‌ای بدل خواهد شد. داود اوغلو هدف بلند مدت و بلند پروازانه ترکیه را تبدیل شدن این کشور به یک قدرت جهانی قرار داده است. داود اوغلو برای نیل به این هدف، به اصل اول طرح شده در کتاب «عمق استراتژیک»، یعنی «به صفر رسانیدن مشکلات با همسایگان» تکیه می‌کند، تا از این طریق؛ الف- نفوذ خود را در میان همسایگان مسلمان و مسیحی خود افزایش دهد ب- به اتحادیه اروپا ثابت کند که ترکیه کشوری مسالمت جو می‌باشد و درصدد است تا مشکلات تاریخی خود را همسایگانش نظیر مشکلاتش با ارمنستان را حل کند.

۵- اصل دیپلماسی منسجم و ۶- اصل به کارگیری روش دیپلماسی جدید. وی دیدگاههای خود را در کتاب عمق استراتژیک در ۶۴۶ صفحه مطالب خود را عرضه می‌کند. این کتاب در این جمله خلاصه می‌شود که ارزش یک کشور در روابط بین‌الملل از موقعیت ژئواستراتژیک و عمق تاریخی آن سرچشمه می‌گیرد. ترکیه هویت غرب آسیا ای، هویت بالکانی و هویت آسیایی دارد و بر این اساس خواهان سیاستی است که ثبات داخلی و منطقه‌ای و در پی آن ثبات امنیت ملی این کشور را تضمین کند. این کتاب در تلاش است تا با آرامش و به شکل عمیق نقشه استراتژیک ترکیه را ترسیم کند؛ آن نقشه ای که ترکیه را بیش از یک پل ارتباط دهنده بین شرق و غرب می‌داند و آن را کنشگری اصلی و بازیگری مرکزی برمی‌شمارد که به تولید افکار و ارائه راه حل در محافل شرقی و غربی می‌پردازد، چراکه ترکیه، هم شرقی است و هم اروپایی.

کتاب "عمق استراتژیک: موقعیت ترکیه و نقش آن در عرصه بین‌المللی" نوشته احمد داوود اوغلو و ترجمه محمد جابر ثلجی و طارق عبدالجلیل، چندی پیش از سوی "مرکز مطالعات الجزیره" و با همکاری "دارالعربیة للعلوم" چاپ و منتشر شد. (سعید شکوهی، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح) سیاست خارجی ترکیه با به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان در این کشور دچار تغییر و تحول عظیمی شده و کمتر کسی است که بتواند این تغییرات را انکار کند. این تغییر در حوزه‌هایی چون سیاست خارجی این کشور برای پیوستن به اتحادیه اروپا، جهت‌گیری آن نسبت به آمریکا، اسرائیل، کشورهای عربی و آفریقایی کاملاً محسوس است. اما به عقیده اکثر کارشناسان، بررسی سیاست خارجی ترکیه بدون پرداختن به اعتقادات و نظرات شخصی احمد داود اوغلو وزیر خارجه این کشور چندان مفید نخواهد بود.

با توجه به اینکه ترکیه در همسایگی ایران قرار دارد و در برخی حوزه‌ها با هم رقابت دارند و سیاست‌های آن بر منافع ملی ایران تأثیرگذار است، بنابراین در این نوشتار تلاش خواهد شد تا به بررسی نظرات وزیر خارجه این کشور و تأثیرات آن روی سیاست خارجی ترکیه در منطقه پرداخته شود. احمد داود اوغلو وزیر خارجه فعلی ترکیه، استاد دانشگاه در حوزه روابط بین‌الملل و جزء معدود افراد دانشگاهی است که فرصت یافته نظرات خود را در حوزه عمل به مورد اجرا گذارد. وی پیش از اینکه به‌عنوان وزیر خارجه انتخاب شود، مشاور رجب طیب اردوغان نخست‌وزیر این کشور در حوزه سیاست خارجی بود و سپس سکان هدایت وزارت خارجه را هم شخصاً به دست گرفت. داوود اوغلو که از او به‌عنوان "کیسینجر" ترکیه یاد می‌شود، بر روند سیاست خارجی این کشور تأثیر شگرفی گذاشته و اغلب نقطه نظراتش به مورد اجرا درآمده است.

دکترین داود اوغلو معروف به دکترین "عمق استراتژیک (Strategic Depth)" است که در کتابی به همین نام منتشر شده است. هسته اصلی این دکترین را ژئوپلیتیک تشکیل می‌دهد و مولفه‌های دیگری چون تأکید بر قدرت نرم، تلاش برای میانجیگری و حل بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و اتخاذ راهبرد برد-برد در ارتباط با دیگر کشورها آن را تکمیل می‌کنند.

وی در کتاب مذکور، معتقد است که «ترکیه به دلیل موقعیت جغرافیایی و تاریخی خاص خود دارای عمق استراتژیک است». به همین دلیل داود اوغلو ترکیه را در زمره کشورهای کوچکی قرار می‌دهد که آنها را قدرتهای مرکزی (Central Powers) می‌نامد.

نامد. او معتقد است که ترکیه نباید خود را محدود به نقش منطقه‌ای در بالکان یا غرب آسیا کند؛ چراکه کشوری مرکزی است و نه منطقه‌ای. بنابراین باید نقش رهبری را در چندین منطقه ایفا کند؛ چیزی که به این کشور در نظام بین‌الملل اهمیت استراتژیک می‌دهد. از دید داوود اوغلو، ترکیه به همه مناطق غرب آسیا، بالکان، قفقاز، آسیای مرکزی و خزر، مدیترانه، خلیج فارس و دریای سیاه تعلق دارد و در همه این مناطق می‌تواند نقش رهبری را به عهده گرفته و اهمیت استراتژیک جهانی برای خود کسب کند. وی این ادعا را رد می‌کند که ترکیه پلی بین اسلام و غرب است چراکه به اعتقاد او، این امر باعث می‌شود ترکیه حالت منفعل به خود گرفته و بازیچه دست دیگر بازیگران شود.

مولفه‌های تشکیل دهنده دکترین عمق استراتژیک داوود اوغلو را می‌توان چنین نام برد: (۱) ترکیه باید نقش پررنگ، فعال (proactive) و متناسب با تاریخ پرشکوه گذشته و عمق جغرافیایی خود ایفا کند؛ (۲) برای اجرای بهتر آن می‌بایست بر روی قدرت نرم خود سرمایه‌گذاری کند. چراکه به نظر او کشورش با همه مناطق ذکر شده دارای روابط تاریخی و فرهنگی است؛ (۳) نهادهای سیاسی داخلی این کشور می‌توانند الگویی برای کشورهای این مناطق باشند؛ (۴) اقتصاد آن بازوی قدرتمندی برای پشتیبانی از این روابط است؛ (۵) باید در مدیریت بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نقش مهمی را ایفا کند؛ (۶) با همکاری اقتصادی، سیاسی و امنیتی با کشورهای منطقه، نیاز به مداخله قدرتهای خارجی را از بین ببرد و (۷) به جای التماس و صرف هزینه‌های گزاف برای پیوستن به اتحادیه اروپا، باید روی کشورهای منطقه سرمایه‌گذاری کند مخصوصاً کشورهایی که زمانی جزء امپراطوری عثمانی بوده‌اند.

از دید او، ترکیه برای رسیدن به موفقیت در این راه، با دو مسأله روبروست: (۱) مسائل و مشکلات داخلی: تا این کشور نتواند به مشکل مسالمت آمیز کردها و همچنین شکاف و اختلاف بین اسلام‌گرایان و سکولارها را حل و فصل کند نمی‌تواند در سیاست خارجی خویش موفقیت چندانی کسب کند. (۲) روابط با همسایگان: ترکیه برای اینکه بتواند به بازیگری مهم در منطقه و نظام بین‌الملل تبدیل شود، ابتدا باید با همسایگان خود رابطه مسالمت آمیزی داشته و اختلافات خود را با آنها حل و فصل کند. اینجاست که بعد مهمی از استراتژی داوود اوغلو رخ می‌نمایند که معروف است به استراتژی "عدم مشکل با همسایگان" (Zero Problem With Neighbors) بر اساس این سیاست، ترکیه تاکنون منابع و هزینه‌های زیادی را به درگیری‌های بی‌پایان صرف کرده است. این کشور برای اینکه بتواند به رهبر منطقه‌ای تبدیل شود و اهمیت استراتژیک بین‌المللی پیدا کند، باید با همسایگان خود روابط دوستانه برقرار کرده و مشکلات و اختلافات فیما بین را از بین ببرد.

بسیاری از شکست‌های بزرگ حاصل خود بزرگ بینی است که بیش از توجه به واقعیت، برخاسته از آرزوهاست. آرزوها جایی در میدان سیاست ندارند. کشورهایی که بر اساس آرزوها، به تنظیم معادلات راهبردی خود می‌پردازند، از درک صحیح واقعیت‌های حاکم بر جهان و خویش عاجز هستند. این قبیل کشورها، عالم غیرواقع خود ساخته‌ای را که دیگران نیز به آن بال و پر داده‌اند، عالم واقع دانسته و به گونه‌ای از خویش غافل می‌شوند که این غفلت می‌تواند آنان را به سراشیبی سقوط بکشد. حاکم کردن نگاه تاریخی بر صحنه سیاست، مهم‌ترین راهنمای عمل این قبیل کشورهاست. این در حالی است عقلانیت سیاسی ایجاب می‌نماید، سیاست مدار واقع‌گرا تلاش نماید ضمن بهره‌برداری از تاریخ، صحنه سیاست را از تسلط تاریخ خارج نماید. تسلط نگاه تاریخی بر عمل سیاست مدار، می‌تواند فاجعه آفرین باشد. کتاب عمق استراتژیک احمد داوود اوغلو، تبلور عینی این نگاه است.

با بررسی سیاست خارجی ترکیه در سالهای اخیر، به خوبی مشخص می‌شود که دیدگاه‌های داوود اوغلو در اغلب موارد به مورد اجرا گذاشته شده است. از تلاش برای رفع اختلافات دیرین با کشورهایی همچون ارمنستان و یونان گرفته تا بازسازی و بهبود روابط با کشورهایی چون سوریه و کشورهای عربی دیگر و تلاش برای ایفای نقش میانجی در بحران‌های منطقه‌ای و گسترش روابط اقتصادی منطقه‌ای، همگی نموده‌هایی از دکترین عمق استراتژیک وزیر خارجه این کشور هستند.

در این بخش در پی آن هستیم تا نمود عینی این سیاست ها را در ارتباط با کشورهای همسایه ترکیه بررسی کنیم. بدیهی است پرداختن به همه کشورهای منطقه در این نوشتار با محدودیت مواجه است و فرصت و مجال بیشتری می طلبد. به همین دلیل و صرفاً به منظور بررسی تأثیرگذاری این تفکرات، روی دو بازیگر مهم و همسایه آن یعنی سوریه و ایران متمرکز می شویم.

۱- روابط ترکیه و سوریه

یکی از آشکارترین تغییرات رخ داده در سیاست خارجی ترکیه، نسبت به سوریه بوده است. دو کشور در سال ۱۹۹۸ تا آستانه جنگ پیش رفتند و ترکیه سوریه را متهم به حمایت از کردهای PKK می کرد. اما از سال ۲۰۰۵ شاهد گسترش روابط دو کشور هستیم. این روابط ابتدا بعد اقتصادی و سپس سیاسی به خود گرفت و به اوج خود رسید. حتی در سالهای اخیر ترکیه چندین بار تلاش کرد با میانجیگری، سوریه و اسرائیل را پای میز مذاکره آورده و بین آنها صلح برقرار کند و اسرائیل را راضی به برگرداندن بلندپه‌های جولان به سوریه بکند. هر چند که این تلاش به سرانجام نرسید و روابط ترکیه با اسرائیل به تنش گرائید، اما بر میزان محبوبیت ترکیه در سوریه و کشورهای دیگر افزود. روابط اقتصادی دو طرف روز به روز در حال گسترش است طوری که در سال ۲۰۱۰ طی ۲۴ ساعت، ترکیه ۴۰ قرارداد همکاری اقتصادی با سوریه منعقد نمود. این کشور در سپتامبر سال ۲۰۰۹ داشتن ویزا برای گردشگران سوری را نیز لغو کرد؛ اقدامی که در این منطقه کم سابقه بوده و باعث افزایش محبوبیت ترکیه در افکار عمومی منطقه شد. گرچه اکنون با تغییر موضع ترکیه اوضاع حالت دیگری به خود گرفته و ترکیه به یکی از اصلی ترین عوامل ضد سوریه بدل شده است.

۲- رابطه ایران و ترکیه

بهبود چشمگیر روابط ایران و ترکیه پس از روی کار آمدن اسلام‌گرایان چیزی نیست که بتوان انکار کرد. روابط اقتصادی دو کشور روز به روز در حال گسترش است. رقم فعلی مراودات بازرگانی طرفین حدود ۱۰ میلیارد دلار در سال عنوان شده است که در سفر اخیر عبدالله گل رئیس جمهور ترکیه به ایران، طرفین توافق کردند ظرف ۵ سال آن را به ۳ برابر افزایش دهند. همکاری دو کشور در حوزه های انرژی نیز بیشتر شده و دامنه این گسترش روابط، به حوزه سیاسی هم می رسد که نمود بارز آن، میانجیگری ترکیه در مسأله هسته ای ایران است. این امر یکی از شاخصه های دکتترین داود اوغلو برای میانجیگری در حل بحران های منطقه ای است. ایران با میانجیگری ترکیه و برزیل در سال ۲۰۱۰ به توافقی برای طرح مبادله سوخت هسته ای دست یافت که به "اعلامیه تهران" معروف شد. این امر موفقیتی دیگر در حوزه سیاست خارجی برای ترکیه بود. به دنبال آن، تلاش های دیپلماتیک این کشور برای حل مسأله هسته ای ایران افزایش یافت و آخرین نشست ایران با گروه ۱+۵ با درخواست ایران در استانبول برگزار شد. ولی بعد از اقدامات ترکیه بر علیه سوریه (به عنوان یکی از عناصر اصلی محور مقاومت)، تا حدودی روابط ترکیه با ایران بدلیل روابط نزدیک و ایدئولوژیک ایران و سوریه به سردی گروید. که تمام این اتفاقات می تواند نشان از نقش پررنگ ترکیه در منطقه و خواست حزب عدالت و توسعه و در راس آن رجب طیب اردوغان در برجسته تر شدن باشد.

بی شک شخص داود اوغلو و نظرات وی تأثیر شگرفی روی سیاست خارجی ترکیه گذاشته و این کشور را به بازگیری فعال در صحنه بین‌المللی و منطقه ای تبدیل کرده است. همین که رهبران این کشور در موضوعات حساس بین‌المللی مورد مشورت رهبران کشورهای غربی قرار می گیرند، خود نشان از افزایش اهمیت و به تعبیر داود اوغلو "افزایش استراتژیک ترکیه" در سطح جهان دارد. منتقدان بر این عقیده اند که سیاست های وی باعث تمرکز در مناطق حاشیه ای و کنار گذاشتن سیاست پیوستن به اتحادیه اروپا شده است. اما وزیر خارجه ترکیه معتقد است به جای التماس های مکرر و بی نتیجه، ترکیه باید آنقدر اهمیت پیدا کند که اتحادیه اروپا از آن دعوت کند که به آن بپیوندد. همچنین برخی سیاستمداران وی را متهم به "عثمانی گرایی جدید" می کنند که به دنبال بازگرداندن ترکیه به دوران امپراطوری عثمانی است. اما وی این ادعا را رد کرده و معتقد است به دلیل ریشه های فرهنگی

و تاریخی، ترکیه در این مناطق دارای قدرت بازیگری و به عبارتی "عمق استراتژیک" است و بهتر می تواند منافع ملی خود را تامین کند. هر چند برای نتیجه گیری درخصوص میزان موفقیت سیاست خارجی داود اوغلو کمی زود است، اما باید اذعان داشت که این سیاست ها در کوتاه مدت توانسته ترکیه را به بازیگری مهم در منطقه و نظام بین الملل تبدیل کند. برآیند حاصله از این نگاه تاریخی- راهبردی داود اوغلو، ظاهراً سبب اتخاذ سیاست خارجی پویا و چند وجهه ای توسط ترکیه می گردد که به تغییر نگاه امنیتی این کشور با همسایگان بوده است. هدف نهایی این رویکرد راهبردی که تعامل و پیوندی نزدیک به نظام جهانی دارد، نه تنها ارتقاء موقعیت ترکیه در منطقه و جهان، بلکه جای گرفتن این کشور در میان قدرت های بزرگ می باشد. ترکیه همچنان که ادعا دارد محور سیاست های کلان خود را بر اساس نگاه تنش زدا تنظیم نموده است، اما روند تحولات نشان می دهد که در شرایط جاری، این رویکرد بیش از موفقیت سیاسی، موفقیت اقتصادی برای ترکیه به همراه داشته است.

تصدی جایگاه هفدهم در اقتصاد جهانی و ششم در اقتصاد اروپا تبلور این موفقیت است، اما ادامه مشکلات با ارمنستان، یونان، قبرس و بروز مشکلات با سوریه، عراق و ... واکنشی در برابر درک سیاست توسعه طلبی ترکیه از سوی کشورهای پیرامونی تلقی شده و نشانه عدم موفقیت در حوزه سیاست خارجی می باشد، که با زبان صلح به دنبال تسلط بر منطقه است.

نقد اساسی که بر نظریه عمق استراتژیک داود اوغلو وارد می باشد، آن است که اگر اجازه داده شود تاریخ مبنای عمل سیاسی گردد، با تغییر برخی از واژه ها، می توان نه تنها با همین نام و عنوان این ویژگی ها را که داود اوغلو برای ترکیه تعریف نموده است، برای ایران و مصر که دارای تاریخ و سابقه دولت مداری دیرینه تر از ترکیه می باشند، تعریف نمود، بلکه برای این کشورها عمق راهبردی فراتر از ترکیه تصور نمود.

در یک ارزیابی منصفانه از تئوری «عمق استراتژیک» داود اوغلو، در می یابیم، این تئوری دارای نقاط ضعف و همچنین نقاط قوت می باشد؛ از نقاط قوت آن می توان به توجه این تئوری به پیشینه تاریخی ترکیه به عنوان یک کشور شرقی و چرخش سیاست خارجی ترکیه از پافشاری بر روی تلاشهای بی ثمر برای نزدیک شدن به غرب به منظور عضویت در اتحادیه اروپا، به سمت تعامل با کشورهای منطقه برای کسب موقعیت باثبات در قفقاز و غرب آسیا نام برد.

سابقه سیاست خارجی ترکیه در سالهای پس از جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراطوری عثمانی، نشان دهنده تلاش دولتمردان آن کشور در جهت تقلید کورکورانه از فرهنگ و تمدن غرب بدون توجه به پیش زمینه های فرهنگی این کشور می باشد، امری ثمری برای ترکیه به جز، از دست دادن جایگاه تاریخی ترکیه در میان کشورهای غرب آسیا نداشته است. اما سیاست گذاریهای نوین ترکیه توسط احمد داود اوغلو، گویای این نکته است که ترکیه می خواهد با تکیه بر پیشینه تاریخی اش، جایگاه خود را در غرب آسیا و قفقاز ارتقا دهد، و پس از موفقیت در این امر با اعتماد به نفس بیشتر به چانه زنی با اروپایی ها برای پیوستن به اتحادیه اروپا بپردازد. یکی از نکات مهم طرح شده در کتاب «عمق استراتژیک» اشاره داود اوغلو به لزوم اتکا ملتها به «اعتماد به نفس» برای پیشرفت در عرصه سیاست جهانی می باشد. با اتکا به همین اصل است که مشاهده می کنیم، نخست وزیر ترکیه در اجلاس داووس پس از متهم کردن شیمون پرز، رئیس جمهور اسرائیل، به نسل کشی فلسطینی ها، آن اجلاس را ترک می کند. این امر به افزایش محبوبیت ترکیه در میان کشورهای مسلمان انجامید. با آگاهی از برخی از نقاط قوت تئوری «عمق استراتژیک» داود اوغلو، به بررسی نقطه ضعف عمده این تئوری می پردازیم که از آن به عنوان «وهم در سیاست خارجه ترکیه» یاد می شود، و معلول یک نگاه ساده انگارانه در سیاست های جدید خارجی این کشور می باشد.

داود اوغلو مدعی است که با به صفر رسانیدن مشکلات ترکیه با همسایگان، ترکیه قادر خواهد بود تا ظرف یک برنامه کوتاه مدت، به یک قدرت منطقه ای بدل شود. چشم انداز آرمانی این تئوری، رسانیدن ترکیه به یک قدرت جهانی در بلند مدت می باشد (به صفر رسانیدن مشکلات با همسایگان) اولین و مهم ترین اصل تئوری «عمق استراتژیک» داود اوغلو به طور جدی دارای ضعف منطقی است؛ آشکار است، هنگامی که ترکیه با یک همسایه خود مشکلی داشته باشد، و آن مشکل تنها بین آن دو کشور باشد، شاید بتواند آن مشکل را حل کند، یا به صفر برساند. اما در شرایطی که مشکل میان ترکیه و بیش از یک کشور باشد و یا در یک

مناقشه منطقه‌ای و جهانی چند کشور و از جمله ترکیه درگیر باشند، آنگاه امکان دارد که حل شدن مشکل ترکیه با یک همسایه اش به افزایش مشکلات ترکیه با کشورهای دیگر بیانجامد. به طور مثال نزدیک شدن ارمنستان به ترکیه و امضای پروتکل‌های برقراری روابط سیاسی میان ارمنستان و ترکیه در ۱۰ اکتبر سال ۲۰۰۹ میلادی، به خشم مقامات جمهوری آذربایجان انجامیده است. دولتمردان جمهوری آذربایجان، که پیش از این ترکیه را برادر بزرگتر خود می‌نامیدند، ترکیه را به قطع جریان گاز ارسالی از این جمهوری به ترکیه تهدید کرده‌اند.

از سوی دیگر ترکیه مدعی میانجی‌گری در مسئله هسته‌ای ایران میان این کشور و غرب است، که در این مسئله نیز نزدیکی این کشور به ایران، و چانه زنی به نفع ایران، ممکن است به رنجش اتحادیه اروپا و غرب منجر شود. گرچه بعد از نزدیکی ترکیه به محور عربستان و قطر بر ضد دولت سوریه و بشار اسد (یکی از ارکان اصلی محور مقاومت)، اوضاع رابطه ترکیه با غرب و اروپا بهتر و با ایران تا حدودی سردتر شده است.

منابع

۱. ابوطالبی، حمید، (۱۳۸۸)، ترکیه دیپلماسی نوین و خلافت عثمانی، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام
۲. ابوک، کریس (۱۳۸۴)، ترکیه، مهسا خلیلی، تهران: نشر ققنوس
۳. احمدی، بهزاد، ترکیه حال و آینده، کتابخانه دیجیتالی
۴. احمدی، حمید، ۱۳۷۷، ریشه‌های بحران در غرب آسیا، موسسه کیهان
۵. ازغندی، علیرضا، ۱۳۷۰، نظام بین‌المللی بازدارندگی و همیاری استراتژیک، تهران: قومس
۶. ازغندی، علیرضا، ۱۳۸۷، تنش زدایی در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی، فصلنامه سیاست خارجی، سال سیزدهم
۷. استرتونف، ادوارد، ۱۳۹۰، جنبش گولن در ترکیه چیست، تهران
۸. اشلقی، مجید عباس و حسن نقدی نژاد (۱۳۸۵)، چشم‌انداز عضویت ترکیه در اتحادیه اروپایی، گزارش راهبردی، معاون پژوهش‌های سیاست خارجی
۹. اطهری، اسدالله، (۱۳۸۹)، در میانه سنت و مدرنیسم، مهنرنامه شماره ۱۴، سال دوم
۱۰. اطهری، سیداسدالله، (۱۳۸۹)، اهداف حزب عدالت و توسعه از الحاق به اتحادیه اروپا (۱)، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی مرکز مطالعات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام
۱۱. برزگر، کیهان، (۱۳۸۸)، روابط استراتژیک ایران و ترکیه، مصاحبه تفصیلی، ایرنا خبرگزاری جمهوری اسلامی
۱۲. بوزان، ویور، بری، اولی، ۱۳۸۸، مناطق و قدرتها ساختار امنیت در نظام بین‌المللی، رحمان قهرمان پور، تهران: پژوهشکده مطالعات بین‌المللی
۱۳. جعفری، ولدانی، اصغر، (۱۳۸۸)، چالش و منازعه در غرب آسیا، پژوهشکده مطالعات راهبردی
۱۴. چامسکی، نوام، ۱۳۷۰، دهه جنگ سرد، شاهرخ وزیری، تهران: نشر رسا
۱۵. حسین گلی، سیداسماعیل، (۱۳۸۳)، آخرین وضعیت قراردادهای توافق‌های نظامی ترکیه و اسرائیل، مؤسسه فرهنگی و مطالعاتی ابرار معاصر
۱۶. دهشیار، حسین، (۱۳۸۹)، غرب آسیا جامع و منفرد، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک غرب آسیا
۱۷. دهقانی، محمود، (۱۳۸۶)، در امتداد یک نگاه تاملی در روابط اسرائیل و ترکیه، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی مرکز مطالعات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام

۱۸. دهقانی، محمود، (۱۳۸۶)، غرب آسیا آینده تنازع هویت ها، معاونت پژوهش های سیاست خارجی مرکز مطالعات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام
۱۹. رستمی، علی، (۱۳۸۶)، اعتبار ترکیه در برخورد با سیاست های اسرائیل، گزارش تحلیلی مرکز پژوهش های مجمع تشخیص مصلحت نظام
۲۰. روشندل، جلیل، (۱۳۷۷)، پیمان امنیتی - نظامی ترکیه و اسرائیل، فصلنامه مطالعات غرب آسیا، سال پنجم، شماره ۳ و ۲، ص ۱۱۰
۲۱. رهنمود، حمید، (۱۳۸۳)، مراکز وموسسات اسرائیلی و یهودیان ترکیه، مؤسسه فرهنگی و مطالعاتی ابرار معاصر
۲۲. ساری صراف، بهروز، (۱۳۸۴)، بحران آب و همکاری بین الملل، پرتال جامع علوم انسانی
۲۳. سخاوت زاده، رضا، (۱۳۸۹)، استراتژی غرب آسیا ای ترکیه و محدودیت ها و مطلوبیت های ایران در آن، معاونت پژوهش های سیاست خارجی مرکز مطالعات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام
۲۴. سلطانی، علیرضا (۱۳۸۴)؛ اصلاحات اقتصادی در ترکیه، همشهری دیپلماتیک، شماره ۷۰
۲۵. سلیمانی، محمدباقر، (۱۳۷۹)، بازیگران روند صلح غرب آسیا، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی
۲۶. سیف زاده، سیدحسن، نظریه های مختلف در روابط بین الملل، تهران: سمت
۲۷. عاشوری، داریوش، (۱۳۸۵)، دانشنامه سیاسی، تهران: انتشارات مروارید
۲۸. عسگرخانی، ابومحمد، (۱۳۸۳)، امنیت بین الملل، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر
۲۹. فلاح زاده، محمد هادی (۱۳۸۴)، آشنایی با کشورهای اسلامی (۳)، ترکیه، تهران: ابرار معاصر
۳۰. فیرحی، داود، (۱۳۸۵)، نظام سیاسی دولت در اسلام، تهران: سمت
۳۱. قاسمی، صابر (۱۳۸۴)، جمهوری ترکیه، تهران: وزارت امور خارجه
۳۲. قدیری، نیلوفر، (۱۳۸۳)، اتحادیه اروپا و ترکیه، همشهری دیپلماتیک، شماره ۱۶-۲۸
۳۳. قهرمانپور، رحمان (۱۳۸۳)؛ ترکیه و اروپا معضل دو جانبه، کتاب ویژه اتحادیه اروپا، تهران: مؤسسه فرهنگی و مطالعاتی ابرار معاصر
۳۴. قهرمانپور، رحمن، (۱۳۸۹)، حمله اسرائیل به کشتی امید واکنشی به نزدیکی ترکیه به ایران، مرکز پژوهش های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه
۳۵. قهرمانپور، رحمن، (۱۳۸۹)، داود اوغلو معمار سیاست خارجی ترکیه و حزب عدالت وتوسعه، مرکز پژوهش های علمی و مطالعات استراتژیک غرب آسیا
۳۶. قهرمانپور، رحمن، (۱۳۸۹) بی اعتمادی وعدم شکل گیری نظام منسجم در غرب آسیا، گروه غرب آسیا، گروه ترکیه، معاونت پژوهش های سیاست خارجی مرکز مطالعات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام
۳۷. قهرمانپور، عسگر، (۱۳۸۷)، موفقیت ترکیه برای عضویت در اتحادیه اروپای، فصلنامه مطالعات غرب آسیا سال یازدهم شماره ۱، ص ۱۵۱ تا ۱۸۵
۳۸. کاکایی، سیامک، (۱۳۷۶)، نقش ترکیه در غرب آسیا پس از جنگ سرد، فصلنامه مطالعات غرب آسیا، سال چهارم، شماره ۴
۳۹. گروه علمی امنیت بین المللی دانشکده اطلاعات، (۱۳۹۱)، بررسی موانع الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا
۴۰. لواسانی، سید محمد حسین (۱۳۸۴)، عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا، همشهری دیپلماتیک، شماره ۷۰
۴۱. لیتل، ریچارد، ۱۳۸۹، دیدگاههای در مورد سیاست جهانی، علیرضا طیب، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
۴۲. ملک محمدی، حمیدرضا، (۱۳۸۵)، ترکیه و اسرائیل دو ستون جدید منطقه ای، تهران: دانشگاه امام صادق

۴۳. نصری، قدیر، (۱۳۸۳)، بافتار منطقه‌ای امنیت، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳۳
۴۴. نقدی نژاد، حسن، (۱۳۸۴)، پیروزی اعتدال گرایی بر افراط، تغییر توازن در صحنه سیاسی ترکیه، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی مرکز مطالعات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام
۴۵. نورالدین، محمد، (۱۳۸۳)، ترکیه جمهوری سرگردان، سیدحسین موسوی، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک غرب آسیا
۴۶. یحیی، هارون، (۱۳۸۵)، استراتژی اسرائیل در غرب آسیا، اسدالله سلیمانی، دانشکده امام باقر (ع)
۴۷. یونسین، مجید، (۱۳۸۳)، یهودیان ترکیه و ابعاد روابط ترکیه و اسرائیل، مؤسسه فرهنگی و مطالعاتی ابرار معاصر
۴۸. یونگ، دیتربیش و پیکولی، ولفانگو، (۱۳۸۱)، اعتلاف ناپایدار ترکیه و اسرائیل، رحمن قهرمان پور، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، جلد ۱۳